



۲ مصاحبه ملی، قربانی منافع شخصی
محمد عطریان‌فر



۴ کافه
فرزند مشروع متن
مصطفی مستور



۴ چهره
رهایی از رنج و درد
به یاد مریم حسینیان



۴ چهره
رهایی از رنج و درد
به یاد مریم حسینیان

پیشنهاد محمد جواد ظریف برای حل مناقشه میان ایران و آمریکا
و همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای غیرنظامی در خاورمیانه با حمایت سازمان ملل:

شرح مناره

گروه سیاسی: محمد جواد ظریف پیشنهاد تشکیل یک مجمع جدید با حمایت سازمان ملل برای همکاری‌های هسته‌ای غیرنظامی در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا را مطرح کرده است؛ مجمعی که به اشتراک‌گذاری

اورانیوم غنی‌شده و دستاوردهای انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز اختصاص دارد و در راستای پایان دادن به تهدید سلاح‌های هسته‌ای در منطقه طراحی شده است. این پیشنهاد در مقاله‌ای به طور مشترک توسط

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین ایران و محسن بهاروند، سفیر سابق ایران در انگلیس در مقاله‌ای در گاردین نوشته شد.

ادامه در صفحه ۲



آمادگی آمریکا برای مذاکره

وزارت خارجه آمریکا خبر داد که این کشور آماده مذاکره با ایران است
سیدعباس عراقچی
وزیر امور خارجه ایران
برای دور جدید گفت‌وگوهای ایران و آمریکا
سه پیش شرط گذاشت



۷
کوچه

رسانه‌ها در آستانه تعطیلی

در دوره پساجنگ، فشار اقتصادی بر مطبوعات و رسانه‌ها به صورت بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است

سرمقاله

تورم؛ مانع اصلاح پول ملی

حذف صفر از پول، بدون مهار تورم بی‌اثر است



سیدحسین مرعشی

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

در اقتصادهایی که با تورم‌های سنگین مواجه می‌شوند و کنترل بر حجم اسکناس در اختیار مردم از بین می‌رود، ضرورت تنظیم مجدد روابط بین دولت، بنگاه‌ها و مردم ایجاب می‌کند که پس از فروکش کردن تورم، آثار آن در ساختار پولی نیز اصلاح شود. یکی از رایج‌ترین روش‌ها در چنین شرایطی، تعویض پول ملی یا حذف چند صفر از اسکناس‌های رایج است تا پول جدیدی جایگزین شود. هدف از این اقدام، تسهیل مبادلات و نظم‌بخشی به امور پولی و مالی است. در برخی از کشورهای دچار تورم شدید، نقل شده که مردم برای خرید یک کیلو گوشت، ناچار بوده‌اند، سالی پر از پول با خود ببرند؛ یعنی ارزش پول به قدری کاهش یافته که برای انجام خریدهای روزمره باید حجم زیادی اسکناس جابه‌جا شود. تجربه اصلاح پول ملی در کشورهای مختلف از جمله در منطقه ما، قابل توجه است. ترکیه این اصلاح را دست‌کم دو بار انجام داد؛ در یکی از مهم‌ترین اقدامات خود ۶ صفر از واحد پول ملی‌اش را حذف کرد و بدین ترتیب، تغییر مهمی در بازار ایجاد شد. روسیه نیز پس از فروپاشی شوروی با بی‌ارزش شدن پول ملی ناچار به حذف صفر و عرضه پول جدید به بازار شد. البته در شرایط کنونی با توجه به گسترش شدید استفاده از پول الکترونیک، موضوع حذف صفرها دیگر تأثیر مستقیمی بر زندگی روزمره مردم ندارد. اغلب معاملات به صورت دیجیتال انجام می‌شود و مردم صرفاً هنگام وارد کردن ارقام با دشواری درج صفرهای اضافی مواجه‌اند که کار چندان سختی هم نیست. بنابراین اجرای چنین اصلاحاتی در شرایطی که ساختار اقتصاد هنوز دچار بی‌ثباتی است بیشتر جنبه نمادین دارد. نکته مهم این است که حذف صفر از پول ملی باید زمانی انجام شود که تورم به‌طور پایدار مهار شده باشد. در کشوری مثل ایران که اگر ۴۰ سال پس از استقرار جمهوری اسلامی را ملاک قرار دهیم در ۲۰ سال نخست با تورم مزمن حدود ۲۰ درصد و در ۲۰ سال دوم با تورم متوسط بیش از ۳۵ درصد مواجه بوده‌ایم هرگونه اصلاح پولی بدون اصلاح ساختاری اقتصاد و مهار تورم عملاً بی‌نتیجه خواهد بود. در همین لحظه نیز که درباره این موضوع صحبت می‌کنیم، تورم ۳۵ درصدی مجدداً در حال صعود به ۴۰ درصد است. برآوردها نیز نشان می‌دهد که به‌واسطه مشکلات جاری اقتصادی، به‌ویژه تنش‌های ناشی از تجاوزهای آمریکا و اسرائیل علیه ایران، روند افزایشی تورم تا پایان سال ادامه خواهد داشت. در چنین شرایطی، حذف صفر از ریال نه تنها راهگشا نیست بلکه تأثیر آن نیز بسیار زودگذر خواهد بود. اگر امروز این اقدام انجام شود و ما به‌عنوان مثال چهار صفر از اسکناس‌ها حذف کنیم طی دو یا سه سال آینده با تداوم تورم ۴۰ درصدی مجدداً در نقطه فعلی قرار خواهیم گرفت. بنابراین اگر مجلس واقعاً دلسوز کشور است - که مدعی آن هستند - یا اگر دولت توانایی و اراده مؤثری دارد باید ابتدا به جای پرداختن به اصلاحات شکلی، سراغ مهار ریشه‌ای تورم برود. یعنی در قدم اول، ساختارهای اقتصادی باید اصلاح و تورم کنترل شود. سپس، پس از یک دوره حداقل دو تا سه ساله که نرخ تورم به زیر ۱۰ یا حتی ۵ درصد برسد، آنگاه می‌توان به‌طور منطقی و مفید درباره اصلاح پول ملی اقدام کرد.

ادامه در صفحه ۲

شناسه آگهی: ۱۹۷۳۷۳۳



**آگهی مزایده املاک
و اموال تملیکی و
مازاد بانک ملی ایران
نوبت چهارم سال
۱۴۰۴ استان گلستان**

م الف ۱۵۶۳

رجوع به صفحه ۵



سال هشتم شماره ۲۰۳۰
شنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۴



بررسی رویدادهای سیاسی

دیدگاه: گفتار روز

مصالح ملی، قربانی منافع شخصی

افرادی که خود را فدایی رهبری می‌دانند
چرا در عمل خلاف منویات ایشان رفتار می‌کنند؟



محمد عطریان‌فر
عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی
دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

تا زمانی که گروه‌های سیاسی، احزاب و جریان‌های فکری مدعی سیاست‌ورزی، درک درستی از مصلحت امر سیاست و منافع ملی نداشته باشند، کشور گرفتار عارضه‌های جدی خواهد بود. نتیجه چنین نگاهی آن است که مصالح ملی، قربانی منافع شخصی و جناحی می‌شود. آنچه از سوی روزنامه کیهان و برخی چهره‌های ناموجه در مجلس بیان می‌شود، نشان‌دهنده آن است که اولویتی برای منافع ملی قائل نیستند و رجحان منافع عمومی بر منفعت فردی را نمی‌پذیرند. نکته دیگر آن است که هرچقدر آتش تندروها شعله‌ورتر می‌شود، این خود نشانه‌ای است که اتفاقا روندهای کلان به سوی اعتدال و عقلانیت در حرکت است و کشور، مسیر طبیعی خود را طی می‌کند. کسانی که رئیس‌جمهور یا دستگاه دیپلماسی کشور را خطاب قرار می‌دهند و می‌گویند چرا به پیام‌های رهبری یا امام توجه نمی‌کنند، علی‌القاعده خودشان هم باید مخاطب دعوت خود باشند و آنها اگر در تراز عالی مدیریت کشور ادعایی دارند لاجرم باید نگاهی درست به منطق عقلانسی و اعتدالی اداره کشور داشته باشند. بارها نخبگان سیاسی، دلسوزان و شخص رهبری اعلام کرده‌اند که نبض سیاست خارجی و مدیریت دیپلماسی کشور باید متضمن تأمین منافع ملی، استقلال کشور و حفاظت از دستاوردهای انقلاب باشد که در همه این چند دهه این مهم به دست بافکایت رهبری محقق شده است و دیگران مجری نظرات ایشان بوده و هستند.

کسانی که این واقعیت را درک نمی‌کنند باید بدانند مطابق قانون اساسی، مسئولیت حفظ استقلال و هدایت کلان کشور و صیانت از منافع ملی بر عهده رهبری است و دیپلماسی ابزار تحقق این هدف محسوب می‌شود. چرا برخی نمی‌خواهند بپذیرند که مذاکره با عدم مذاکره، مقاومت یا دفاع و نبرد، تصمیمی است که در چارچوب سیاست‌های کلان و از سوی رهبری اتخاذ می‌شود؟ دیپلماسی و میدان دو روی یک سکه‌اند و در تعارض یا یکدیگر نیستند و هر دو زیر چتر هدایت هوشمندانه رهبری، معنا و جریان پیدا می‌کنند. اینها که خود را فدایی رهبری می‌دانند، چرا در عمل خلاف منویات ایشان رفتار می‌کنند؟

وقتی دانشمند برجسته و دولتمرد بافکایتی همچون آقای دکتر علی‌اکبر صالحی که فردی شایسته، سالم، صادق، مورد اعتماد رهبری و کارگزاری صادق بوده است، صراحتاً می‌گوید که برخی افراد خاص در روند مذاکرات تأثیر منفی گذاشته‌اند، می‌توان دریافت که بار سنگین هزینه و آسیب‌رسانی این افراد و طیف متبوع‌شان تا چه میزان به ملت زیان وارد کرده است. در شرایط عادی ممکن است، سخن یک فرد افراطی چندان اهمیت نداشته باشد اما در شرایط بحران و فشارهای تحریمی، فریادهای نابخردانه و هیاهوهای برای هیچ این افراد به کشور آسیب می‌زند.

رادیکال‌ها به تجربه‌های تاریخی مراجعه کنند و ببینند کشورهایی که سیاست‌ورزی معقول را فدای هیاهو و شعار کردند به چه سرنوشتی دچار شدند. بخش‌هایی از جریان افراطی مصادیق همان وابستگان جریان نفاق‌اند که قرن نیز آنها را سرزنش کرده است. نمی‌توان با تمایلات فردی و تفسیرهای شخصی از سیاست و دین، نظم فکری جامعه را برهم ریخت. برخی از این صداها بدون تردید مصداق جریان نفاق است و مظهر اندیشه‌ای که پیام الهی، آنان را با گزاره «نؤمن ببعض و نکفر ببعض» توصیف کرده است.

دو نکته را باید از هم تفکیک کرد؛ یکی نقش جریانی چهره‌های رادیکال در عملکرد گروهی و طیفی خود و دیگری احیاناً نقش فردی عنصری که با رویکرد تند در جمع، عارضه و مانع ایجاد می‌کند. عطف به پرسش‌تان در خصوص تأثیر نقش آقای جلیلی، تأکید می‌شود که نقش او ابتدا از منظر فردی و به مرتبه بعد از موضع عضویت در مجمع تشخیص مصلحت یا شورای عالی امنیت ملی باید از هم تفکیک شود. به هر حال به گفته آقای صالحی او در جریان مذاکرات در دوره آقای احمدی‌نژاد، نقشی مناسب که درخور شأن، شرف و شخصیت ملت ایران باشد، ایفا نکرده است؛ از سوی دیگر چنین افرادی وقتی در مسئولیتی مانند عضویت در شورای عالی امنیت ملی قرار می‌گیرند، می‌توانند بر اساس دیدگاه‌های فردی و طیفی خود بر روند تصمیم‌سازی‌ها تأثیر بگذارند.

در پایان دولت آقای روحانی و مقطع انتقالی به دولت آقای رئیسی در آن فرصت دو- سه ماهه، آقای روحانی بارها به دولت جدید توصیه می‌کرد که از فرصت فراهم آمده، درست استفاده و سعی کنید مذاکرات به نتیجه و فرجام نهایی خود برسد که نفخشی‌الواقع به دولت خود آقای رئیسی برمی‌گشت اما به نظر می‌رسد، جریان پایداری و چهره‌های نزدیک به این طیف از طریق فشار بر دولت سیزدهم و شخص آقای رئیسی، موانعی ایجاد کردند و آن فرصت‌ها از دست برفت.

منبع: انتخاب

ادامه تیتربیک

طرح مناره

ظریف در این مقاله یادآوری کرد که ۱۰ سال پیش، پس از توافق هسته‌ای ایران، در گاردین در مورد نیاز فوری به خلع سلاح هسته‌ای جهانی با شروع از ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه، نوشتیم. یک دهه بعد، در حالی که منطقه ما در لبه فاجعه قرار دارد، این درخواست دیگر نه تنها شایسته بلکه ضروری است. این پیشنهاد، ابتکار جدیدی از سوی ایران نبود. در سال ۱۹۷۴ ایران پیشنهاد ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه را در سازمان ملل متحد مطرح کرد و به سرعت مصر نیز به آن پیوست. این پیشنهاد با اکثریت قاطع آرا در مجمع عمومی تصویب شد. پس از استفاده صدام از سلاح‌های شیمیایی در طول جنگ ایران و عراق، این ابتکار در سال ۱۹۹۰ گسترش یافت تا همه سلاح‌های کشتار جمعی را پوشش دهد. اما به مدت نیم قرن، پیشرفت توسط اسرائیل و حامی اصلی آن، ایالات متحده، مسدود شده است. این فلج شدن تصادفی نیست. با وجود حمایت‌های سالانه چشمگیر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و تعهدات مکرر در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) خاورمیانه همچنان یکی از تنها مناطق روی زمین است که چارچوب عاری از سلاح‌های هسته‌ای ندارد. بیش از ۱۰۰ کشور غیرمتعهد در کنفرانس بررسی و تمدید NPT در سال ۱۹۹۵ پیشرفت در جهت ایجاد چنین منطقه‌ای را شرط تمدید نامحدود این معاهده قرار دادند. با این حال ۳۰ سال بعد، تغییر چندانی رخ نداده است.

خاورمیانه بدون چارچوب هسته‌ای در آستانه خطر

در این مقاله با اشاره به وضعیت فعلی منطقه می‌ویسند: در واقع، وضعیت رو به وخامت گذاشته است و نشان می‌دهد که اگرچه داشتن سلاح‌های هسته‌ای معمولاً منجر به ماجراجویی‌های بی‌ملاحظه می‌شود اما چنین سلاح‌هایی به هیچ‌وجه موفقیت، شکست‌ناپذیری یا ایمنی را برای شهروندان تضمین نمی‌کنند. اقدام نظامی غیرقانونی اخیر اسرائیل مسلح به سلاح هسته‌ای- که عضو NPT نیست- علیه تأسیسات هسته‌ای تحت نظارت بین‌المللی ایران، منطقه ما را به طرز خطرناکی به ورطه نابودی کشانده است. شکست اسرائیل در دستیابی به اهداف ناموجه خود و ناتوانی ایالات متحده در به زانو درآوردن ایران، می‌توانست و هنوز هم می‌تواند این منطقه و به تبع آن کل جهان را در یک جنگ ابدی فرو ببرد. دیگر بس است. ما باید آینده امنیت منطقه خود را به دست خود بگیریم. وقت آن رسیده است که خاورمیانه و شمال آفریقا از لغافظی‌های فراتر رفته و به سمت همکاری منطقه‌ای واقعی، همکاری مبتنی بر احترام متقابل و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، حرکت کنند. به همین دلیل

ادامه سرمقاله

تورم؛ مانع اصلاح پول ملی

اجرای شدن طرح حذف صفرها در شرایط فعلی صرفاً یک رفم شکلی است؛ هیچ اثری بر درآمد مردم یا دولت نمی‌گذارد، تغییری در قدرت خرید ایجاد نمی‌کند و حتی مبادلات را نیز آسان‌تر نمی‌کند. اکنون مردم اغلب خریده‌ای خود را با ابزارهای دیجیتال انجام می‌دهند و اسکناس نقش بسیار کم‌رنگی در مبادلات روزمره دارد. حتی اگر این اقدام را به‌عنوان یک رفم نمادین در نظر بگیریم و مثلاً اسکناس ۱۰۰ هزار ریالی را به ۱۰ ریال تبدیل کنیم (معادل همان یک تومان قدیمی) باز هم این تغییر در کوتاه‌مدت تحت فشار تورم بی‌اثر خواهد شد. در واقع، اثر محدود همین رفم شکلی نیز در فاصله زمانی کوتاهی، رنگ می‌بازد.

مسأله مهم‌تر اقتصاد ایران، ریشه‌های تورم است که هم مشخص و هم قابل کنترل‌اند. یکی از بخش‌های مهم تورم، تورم انتظاری است که ناشی از شرایط سیاسی و امنیتی است. در کشوری که همواره در معرض تهدید دشمنان خارجی است و وضعیت آن در حالت «نه

است که ما ایجاد شبکه خاورمیانه برای تحقیقات و پیشرفت اتمی که حروف اول کلمات آن واژه مناره را شکل می‌دهند، پیشنهاد می‌کنیم که به درستی به معنای فانوس در زبان عربی است. مناره یک نهاد منطقه‌ای خواهد بود که برای تسهیل همکاری هسته‌ای صلح‌آمیز بین اعضای آن طراحی شده است. این شبکه برای همه کشورهای واجد شرایط در خاورمیانه و شمال آفریقا برای پیوستن باز است و کشورها باید تولید یا استقرار سلاح‌های هسته‌ای را رد کرده و متعهد به تأیید متقابل پایبندی خود شوند. در عوض، مناره به آنها کمک می‌کند تا از فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز، از جمله تولید انرژی، پزشکی، کشاورزی و تحقیقات علمی، بهره‌مند شوند.

بنابراین طبق این پیشنهاد، چنین نهادی جایگزین خلع سلاح نیست بلکه گامی به سوی آن است. همکاری هسته‌ای منطقه‌ای، با پادمان‌های قوی و نظارت متقابل، می‌تواند عدم اشاعه را تقویت کرده و امنیت انرژی را بدون ایجاد نظامی‌گری افزایش دهد. مدت‌هاست که استدلال می‌شود، پیشرفت در خلع سلاح منطقه‌ای باید منتظر خلع سلاح اسرائیل باشد. اما رژیم‌ی که با ارتکاب جنایات بین‌المللی مانند آپارتاید، نسل‌کشی و اخیراً گرسنگی گسترده، هیچ احترامی برای مشروعیت بین‌المللی قائل نبوده است به سختی تحت تأثیر این فشار منفی قرار خواهد گرفت. مطمئناً بیش از ۵۰ سال است که چنین نبوده و زرادخانه هسته‌ای خطرناک آن، بزرگ‌ترین تهدید برای عدم اشاعه بین‌المللی و صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی بوده و خواهد بود. گروگان گرفتن صدها میلیون نفر در زرادخانه هسته‌ای یک رژیم غیرپاسخگو، نسخه‌ای برای بی‌ثباتی دائمی است. ما باید راه جدیدی برای پیشرفت پیدا کنیم.

وضعیت موجود ناپایدار است

از دیگر مزایای مناره این است که طبق این پیشنهاد به تغییر چارچوب بحث هسته‌ای در منطقه کمک خواهد کرد. برای مدت طولانی، مسائل هسته‌ای صرفاً از دیدگاه خطر و تهدید مطرح شده‌اند. اما علم هسته‌ای هم چنین راه‌حلهایی را برای بحران آب و هوا، کمبود آب، امنیت غذایی و تنوع انرژی ارائه می‌دهد. با کاهش ذخایر نفت‌وگاز، انرژی هسته‌ای برای رشد و پایداری منطقه‌ای حیاتی خواهد بود. مناره می‌تواند این آینده را به یک واقعیت مشترک و امن تبدیل کند.



نحوه کار آن به این صورت است. مناره تحقیق، آموزش و توسعه را در سراسر کشورهای عضو هماهنگ خواهد کرد. این شبکه از سرمایه‌گذاری‌های مشترک در زمینه‌هایی از غنی‌سازی اورانیوم و مدیریت پسماند گرفته تا همجوشی هسته‌ای و پزشکی حمایت می‌کند. اعضا از طریق یک هیات نظارتی مشترک، امکانات و تخصص خود را به اشتراک می‌گذارند و شفافیت را تضمین می‌کنند. میزان مشارکت متناسب با ظرفیت هر کشور خواهد بود اما هر عضو سود خواهد برد.

دفتر مرکزی این شبکه در یکی از کشورهای شرکت‌کننده خواهد بود و دفاتر فرعی و احتمالاً تأسیسات غنی‌سازی مشترک در سایر کشورها وجود خواهد داشت. نظارت توسط هیات مدیره‌ای متشکل از نمایندگان ملی انجام خواهد شد و ناظران بین‌المللی از سازمان ملل متحد، شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز برای شرکت در آن دعوت می‌شوند. از همه مهم‌تر، مناره شامل پادمان‌های متقابل قوی برای جلوگیری از انحراف مواد برای استفاده نظامی خواهد بود. امروز، بیش از هر زمان دیگری، ما در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با آگاهی جمعی از تصویر وحشتناک آینده خود، مگر اینکه از این لحظه استفاده کنیم، از خواب بیدار شده‌ایم. ما می‌دانیم که بی‌اعتمادی در منطقه ما ریشه عمیقی دارد. ایران و دیگران نیز نارضایتی‌های خود را دارند. اما گذشته نباید سرنوشت ما را تعیین کند.

نویسندگان در پایان از کشورهای منطقه و شمال آفریقا می‌خواهند که مناره را تأیید و مذاکرات رسمی در مورد ساختار، اختیارات و معیارهای عضویت آن را آغاز کنند. یک اجلاس منطقه‌ای- تحت نظارت سازمان ملل متحد و با حمایت قدرت‌های جهانی- می‌تواند پایه و اساس آن را بنا نهد. چنین اقدامی نه تنها خطر درگیری هسته‌ای را کاهش می‌دهد بلکه الگویی برای همکاری در جهانی از هم گسیخته ارائه می‌دهد. وضعیت موجود ناپایدار است. کابوس تشدید تنش و پتانسیل ذاتی آن برای اشاعه سلاح‌های هسته‌ای دیگر فرضی نیست؛ به طرز خطرناکی نزدیک به واقعیت است. اما هنوز زمان برای انتخاب مسیری متفاوت وجود دارد. مناره می‌تواند چراغ راهی باشد که ما را به سوی آینده‌ای هدایت کند که در آن خاورمیانه دیگر میدان نبرد برای تهدید هسته‌ای نباشد بلکه پیشواز صلح، پیشرفت و انرژی مسئولانه باشد. زمان اقدام اکنون است.

بودجه‌های سالانه به بانک‌ها تحمیل می‌شود، بدون آنکه منابع واقعی برای اجرای آنها وجود داشته باشد؛ این موضوع مستقیماً منجر به افزایش پایه پولی و در نهایت رشد نقدینگی و تورم می‌شود.

از این منظر، طرح حذف صفر از پول ملی متنها بی‌اثر بلکه انحرافی است. اقدامی کم‌اثر که حتی همان اثر ناچیزش هم با تداوم تورم ۴۰ درصدی از میان خواهد رفت. ممکن است دولت، کمیسیون اقتصادی مجلس و کارشناسان اقتصادی بارها درباره آن بحث کرده باشند اما به نظر می‌رسد، گوش شنوایی برای تحلیل‌های دقیق و علمی وجود ندارد.

ضرب‌المثلی قدیمی هست که می‌گوید: «دلاک‌ها وقتی بیکار می‌شوند، سرهم‌دیگر را می‌تراشند». در وضعیتی که دولت و مجلس قادر به انجام اقدامات اصلی و ریشه‌ای برای بهبود اقتصاد نیستند به رفم‌های کم‌اثر و شکلی پناه برده‌اند تا شاید از فشار افکار عمومی که ریشه‌های تورم خشک نشود، هیچ اصلاحی- چه شکلی و چه ساختاری- اثر ماندگاری نخواهد داشت. راهکار واقعی، مهار تورم و سپس اصلاح ساختار پولی است، نه برعکس.

کُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ

همکار ارجمند

جناب آقای مهدی یزدانی خرم

مراتب تسلیت ما را در فقدان همسر گرامی تان

سر کار خانم **مریم حسینیان** پذیرا باشید.

روحشان قرین رحمت واسعه الهی و خلد برین سرایشان باد.

دوستان در روزنامه سازندگی

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

استاد فرهیخته

جناب آقای پروفیسور بهروز برومند

آسمانی شدن همسر گرانقدرتان، زنده‌یاد مهربانو **مهروش صالحی** را خدمت جنابعالی و خانواده محترم و فرزندان برومندتان تسلیت عرض می‌کنم. بلاشک خدمات ارزشمند و افتخارآمیز جنابعالی برای میهن و مردم ایران، مرهون همراهی زنده‌یاد همسرتان بوده است. آرزوی سلامتی و صبر برای جنابعالی و خانواده محترم‌تان را از خداوند منان خواهام.

دکتر فرزانه ترکان؛ معاون فرهنگی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

به دنبال صلح پایدار

پوتین در جدیدترین مواضع خود درباره جنگ اوکراین و نقش اروپایی ها چه گفت؟

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه (جمععه) پس از دیدار غیررسمی با الکساندر لوکاشنکو همتای بلاروسی خود در جزیره والام در شمال غرب روسیه به پرسش خبرنگاران پاسخ داد که عموماً بر محور جنگ اوکراین استوار بود. او در مورد مذاکرات با موضوع این جنگ گفت که مذاکره‌کنندگان طرف اوکراینی که با دقت، این ایده را مطرح کردند که ما باید در مورد امنیت اروپا به عنوان یک کل صحبت کنیم، درست می‌گویند؛ چراکه حل و فصل بحران اوکراین را می‌توان در چارچوب امنیت اروپایی بررسی کرد. رئیس‌جمهوری روسیه خاطرنشان کرد که از دستیابی به صلحی بلندمدت در اوکراین حمایت می‌کند که هیچ محدودیت زمانی نداشته باشد. پوتین خاطرنشان کرد که هدف اصلی مسکو، ریشه‌کن کردن علل بحران اوکراین و تضمین امنیت روسیه است و این موضوع را پارسال در دیدار با مقامات وزارت امور خارجه روسیه بیان کردم. شرایط مطرح شده روسیه در تابستان ۲۰۲۴ در مورد مسأله اوکراین تغییری نکرده است؛ مسأله اصلی ریشه‌کن کردن علل درگیری است. رئیس‌جمهوری روسیه گفت: البته، مسائل بشردوستانه نیز در کنار مسائل امنیتی روسیه و اوکراین نیز باید مورد توجه قرار گیرد. پوتین در ارزیابی نتایج سه دور مذاکرات مسکو

زنسکی مطلع نیست!

پوتین در بخش دیگری از سخنان خود درباره اعلام وزارت دفاع روسیه مبنی بر پیشروی در شهر «چاسوفییار» در شرق اوکراین، گفت: این اطلاعات کاملاً منطبق بر واقعیت است و نیروهای روسیه در سراسر خط تماس نبرد، در حال پیشروی هستند. وی تصریح کرد که اظهارات مقامات کی‌یف درباره اوضاع در «چاسوفییار» نشان می‌دهد که رهبری اوکراین از اوضاع جبهه چندان مطلع نیست. او در عین حال این موضوع

گزارش

آمادگی آمریکا برای مذاکره

معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا از آمادگی واشنگتن برای مذاکره با تهران خبر داد. عباس عراقچی نیز جبران خسارت‌های جنگ، تضمین عدم تکرار حمله و پذیرش حق غنی‌سازی را شروط مذاکره با آمریکا اعلام کرد

رئیس‌جمهور آمریکا و مذاکره‌کننده ارشد این کشور، پیام‌هایی رد و بدل کرده‌اند و به او گفته که باید یک راه‌حل برد- برد برای پایان دادن به بن‌بست چندین ساله بر سر برنامه هسته‌ای ایران پیدا شود. او همچنین گفت که راه مذاکره باریک است اما غیرممکن نیست. باید مقامات کشور را قانع کنم که اگر مذاکره کنیم، طرف مقابل با اراده واقعی برای یک توافق برد- برد وارد می‌شود». عراقچی گفت که ویتکاف تلاش کرده، او را قانع کند که از سرگیری مذاکرات ممکن است و چنین پیشنهادی هم داده اما این در نهایت به اقدامات واقعی اعتمادساز از سوی آنها (آمریکا) نیاز داریم. او گفت که این اقدامات باید شامل غرامت مالی و تضمین‌هایی باشند مبنی بر اینکه ایران حین مذاکرات بار دیگر هدف حمله قرار نخواهد گرفت، هرچند جزئیاتی ارائه نکرد.

رئیس دستگاه دیپلماسی گفت که پیام من به ویتکاف خیلی پیچیده نیست. گفتیم تجاوز اخیر نشان داد که برای برنامه هسته‌ای ایران راه‌حل نظامی وجود ندارد اما می‌توان به راه‌حلی از طریق مذاکره رسید. او گفت، جنگ اخیر باعث افزایش مخالفت‌ها بسا مذاکرات در میان بدنه حاکمیت شده و برخی نیز خواستار مسلح‌سازی برنامه هسته‌ای شده‌اند؛ که نشان‌دهنده چالش‌های پیش‌روی از سرگیری دیپلماسی است. وزیر خارجه کشورمان تأکید کرد که نظام جمهوری اسلامی به برنامه‌ای صلح‌آمیز و غیرنظامی پایبند است، دکترین خود را تغییر نمی‌دهد و همچنین به فتوای ۲۰ ساله رهبر انقلاب که تولید سلاح هسته‌ای را حرام اعلام کرده، پایبند خواهد بود. عراقچی در بخشی از مصاحبه خود با فایننشالتایمز تأکید کرد تا زمانی که ترامپ خواهان غنی‌سازی صفر از سوی ایران باشد، توافقی در کار نخواهد بود اما گفت، واشنگتن باید نگرانی‌هایش را از طریق مذاکره مطرح کند.

رئیس دستگاه دیپلماسی در این خصوص گفت که ما می‌توانیم مذاکره کنیم، آنها استدلال‌شان را ارائه دهند و ما هم استدلال خود را ارائه می‌دهیم اما با غنی‌سازی صفر، هیچ چیز برای ما باقی نمی‌ماند. عراقچی همچنین در مورد ذخایر اورانیوم ایران گفت که نمی‌دانم این ذخایر کجاست اما تهران همچنان توانایی غنی‌سازی اورانیوم را دارد. ساختمان‌ها را می‌توان بازسازی کرد. ماشین‌آلات را می‌توان جایگزین کرد چون فناوری آن موجود است. ما دانشمندان و تکنسین‌های فراوانی داریم که قبلاً در تأسیسات ما کار می‌کردند. اما اینکه چه زمانی و چگونه غنی‌سازی را از سر بگیریم به شرایط بستگی دارد. بر همین اساس اگر بخواهیم به صورت کلی شروط اعلام شده از سوی رئیس دستگاه دیپلماسی کشورمان برای شروع مجدد مذاکرات با آمریکا را فهرست کنیم باید بگوییم که او پرداخت غرامت و جبران خسارت از سوی

گروه بین‌الملل: سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه اخیراً مصاحبه‌ای با فایننشال تایمز در مورد مذاکره با ایالات متحده داشته که موجب واکنش وزارت خارجه ایالات متحده شده است. او در این مصاحبه اعلام کرده که راه‌حل نظامی برای برنامه هسته‌ای ایران وجود ندارد و تنها راه‌حل، مذاکره بوده و ایران به صلح پایبند است اما در برابر فشار، تهدید و فریب کوتاه نخواهد آمد. او گفت که آمریکا باید بابت خسارات وارد شده در جنگ ماه گذشته به ایران غرامت بدهد؛ چراکه تهران موضع خود را سخت‌تر کرده و شروط تازه‌ای برای از سرگیری مذاکرات با دولت ترامپ تعیین کرده است. عباس عراقچی به فایننشالتایمز گفت که ایران پس از درگیری ۱۲ روزه با اسرائیل، دیگر حاضر به ادامه روند عادی مذاکرات نیست چراکه آمریکا در حال مذاکره با ایران بود که به دیپلماسی پشت کرد و وارد جنگ شد. او همچنین گفت که آنها (آمریکا) باید توضیح دهند که چرا در میانه مذاکرات به ما حمله کردند و باید تضمین دهند که در آینده این کار را تکرار نخواهند کرد و از سوی دیگر باید بابت خساراتی که وارد کرده‌اند، غرامت بدهند.

غرامت نمی‌دهیم، آماده مذاکره‌ایم

این سخنان عراقچی البته از سوی ایالات متحده بی‌پاسخ نماند. توماس (تامی) پیگوت، معاون سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده در واکنش به مصاحبه عراقچی با فایننشالتایمز در نشست خبری خود با خبرنگاران گفت: «هرگونه درخواست غرامت مالی از سوی ایالات متحده به ایران مضحک است. اگر ایران واقعاً می‌خواست در هزینه‌ها صرفه‌جویی کرده و پول پس‌انداز کند یا برخی از سیاست‌های تحریمی را کاهش دهد باید از انجام اقدامات بی‌ثبات‌کننده، برنامه هسته‌ای و حمایت از گروه‌های منطقه‌ای خود دست برمی‌داشت». او سپس گفت که ایالات متحده آماده مذاکره با ایران است. ایران فرصت کوتاهی دارد اما توپ در زمین ایران است بنابراین منتظریم ببینیم که آنها در این زمینه چه می‌کنند.

۳ شرط ایران برای مذاکره با آمریکا

اظهارات معاون سخنگوی وزارت خارجه ایران در مورد آمادگی واشنگتن برای مذاکره با تهران در حالی مطرح می‌شود که اگر مجدداً به مصاحبه عراقچی با فایننشالتایمز بازگردیم، می‌بینیم که او سه محور شرط مشخص را برای مذاکره با ایالات متحده مطرح کرده است. او در بخشی از این گفت‌وگو اظهار کرد که در طول جنگ و پس از آن با استیو ویتکاف، فرستاده ویژه



با اشاره به نقش اروپا در جنگ اوکراین گفت که حاکمیت نقش کلیدی از جمله برای توسعه اقتصادی دارد. پیش از این واضح بود که اتحادیه اروپا، حاکمیت کاملی ندارد. امروز آشکار شده است که اصلاً حاکمیتی ندارد و در شرایط بحرانی که رخ داده است این امر بسا ضررهای اقتصادی همراه است. پوتین خاطرنشان کرد که دانشمندان علوم سیاسی اخیراً گفته‌اند که اتحادیه اروپا یک غول اقتصادی است اما یک کوتوله سیاسی است. این حرف من نیست، نمی‌خواهم کسی را آزرده‌خاطر کنم، ما خودمان این جملات را در منابع غربی خوانده‌ایم. از دست دادن حاکمیت سیاسی اروپا منجر به از دست دادن حاکمیت اقتصادی و ضررهای عظیم این اتحادیه می‌شود. بنابراین در این شرایط یکی از وظایف کلیدی ما از جمله در میدان نبرد، تقویت حاکمیت روسیه است.

دیپلماسی

پزشکیان در اسلام‌آباد

رئیس‌جمهور برای نخستین بار به پاکستان می‌رود

دولت پاکستان اعلام کرد که مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور ایران در روزهای ۱۱ و ۱۲ مرداد به دعوت شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، به این کشور سفر خواهد کرد. در این سفر، دکتر پزشکیان را هیأتی عالی‌رتبه همراهی خواهد کرد که شامل سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران و شماری از وزرا و دیگر مقامات ارشد کشور است.

در جریان این سفر، پزشکیان با آصف علی زرداری رئیس‌جمهور پاکستان دیدار خواهد کرد و مذاکرات در سطح همین هیأت با نخست‌وزیر پاکستان نیز برگزار خواهد شد. این نخستین سفر رسمی دکتر پزشکیان به پاکستان در جایگاه رئیس‌جمهور ایران است. نخست‌وزیر پاکستان در تاریخ پنجم خرداد به ایران سفر کرده بود. پیش از این مهدی سنایی، معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور اعلام کرد، رئیس‌جمهور پزشکیان عصر شنبه (۱۱ مرداد) به دعوت شهباز شریف به پاکستان می‌رود. دیدارهای رسمی و گفت‌وگو بسا نخبگان فرهنگی و تجاری در برنامه است. روابط دوکشور دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، دینی و فرهنگی است و توسعه همکاری‌های استانی و مرزی و ارتقای مبادلات از ۳ میلیارد دلار کنونی از اهداف این سفر است. در این راستا عطاالله تازر، وزیر اطلاع‌رسانی پاکستان، سفر رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به اسلام‌آباد را بسیار حائز اهمیت و در ادامه روند تحکیم روابط دوجانبه ارزیابی و تأکید کرد که تهران و اسلام‌آباد، بازیگران مهم برای پایداری صلح و ثبات منطقه‌ای هستند.

وی همچنین گفت که جمهوری اسلامی ایران و پاکستان از روابط عالی برخوردارند و ما طی ماه‌های گذشته نه تنها شاهد رشد این مناسبت در سطوح عالی بودیم بلکه معتقدم هر دو کشور برای پایداری ثبات منطقه‌ای، همکاری‌های مشترک و برداشتن گام‌های مهم در حوزه‌های مختلف نقش بسزایی دارند.



را رد نکرد که تلاش‌هایی برای انجام ضدحمله نیروهای مسلح اوکراین در این منطقه دیده می‌شود. رئیس‌جمهوری روسیه همچنین در واکنش به سخنان ولودیمیر زنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین مبنی بر اینکه مذاکره در حال حاضر فایده‌ای ندارد و باید تا تغییر حکومت در روسیه صبر کنیم، گفت: اگر رهبری اوکراین معتقد است که اکنون زمان مذاکره نیست و باید صبر کنیم، ما آماده‌ایم صبر کنیم. پوتین گفت که حکومت ما مبتنی بر قانون اساسی فدراسیون روسیه است و دولت کاملاً مطابق با قانون اساسی کشور تشکیل می‌شود، موضوعی که درباره اوکراین صدق نمی‌کند. قانون اساسی در اوکراین به وضوح نقض شده است اما نمی‌خواهم وارد این جزئیات شوم.

اروپا کوتوله سیاسی است

رئیس‌جمهوری روسیه در بخش دیگری از سخنان خود

آمریکا را به انضمام تضمین عدم حمله مجدد به ایران و پذیرش حق غنی‌سازی توسط ایران را سه شرط اصلی بیان کرده است.

اتهام‌زنی به ایران

در این راستا باید توجه شود که توماس پیگوت، معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در بخشی از سخنان خود در نشست خبری درباره انتشار بیانیه مشترک آمریکا و برخی کشورهای غربی درباره فعالیت‌های تهدیدآمیز ایران در اروپا و آمریکای شمالی و بدون ارائه هرگونه جزئیات دقیق گفت این موضوعی است که ما مدت‌هاست با شرکای خود در حال گفت‌وگو درباره آن هستیم و آن را بسیار جدی می‌گیریم. در این خصوص یورونیوز نوشته است که ایالات متحده و بسیاری از متحدانش در ناتو به علاوه اتریش (که عضو نیست اما مقر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آنجا قرار دارد) با صدور بیانیه‌ای، ایران را به افزایش تهدیدهای اطلاعاتی در سراسر اروپا و آمریکای شمالی متهم کرده‌اند. این بیانیه به امضای ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و ۱۱ کشور دیگر عضو ناتو از جمله آلبانی، بلژیک، کانادا، جمهوری چک، دانمارک، فنلاند، آلمان، هلند، اسپانیا و سوئد رسیده است. اگرچه در این بیانیه به حادثه‌ای خاص اشاره نشده اما امضاکنندگان از ایران خواسته‌اند فوراً به چنین فعالیت‌های غیرقانونی در قلمروهای مربوطه‌شان پایان دهد.

ترامپ: ایران باید رفتار و حرف‌هایش را تغییر دهد

به موازات این روند، دونالد ترامپ هم بار دیگر با اشاره به توان هسته‌ای ایران و عملیات نظامی متجاوزانه آمریکا، تأکید کرد که برنامه هسته‌ای ایران به‌طور کامل نابود و منهدم شده و گفت که اگر آنها بخواهند دوباره این برنامه را شروع کنند باید در سایت‌های جدید این کار را انجام دهند زیرا سایت‌های قبلی از بین رفته‌اند. او همچنین با تکرار مواضع قبلی خود گفت که ایران باید در گفتار خود تغییر ایجاد کرده و از لحن بهتری استفاده کند.

تحریم پنج نهاد و یک فرد

از سوی دیگر دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) پنج نهاد و یک فرد مستقر در ایران، هنگ‌کنگ، تایوان و چین را به اتهام، تهیه فناوری برای حمایت از شرکت صنایع تولید هواپیماسازی ایران تحریم کرد. به اذعان این وزارتخانه، اقدام تازه واشنگتن علیه تهران در راستای یادداشت شماره ۲ امنیت ملی ریاست جمهوری دونالد ترامپ و کارزار فشار حداکثری او انجام شده است.

فرزندِ مشروع متن

روایت **مصطفی مستور** از اقتباس ادبی در سینما



مصطفی مستور، داستان‌نویس، اقتباس سینمایی از رمان‌ها را به فرزند مشروع متن تشبیه می‌کند. در نگاه مصطفی مستور، اقتباس ادبی زمانی معنا می‌یابد که اثر سینمایی چون «فرزند مشروع متن» از دل رمان زاده شود؛ با شناسنامه‌ای روشن، روحی وفادار و پیوندی اصیل با درونمایه، شخصیت‌ها و جهان داستان. او معتقد است بسیاری از آنچه امروز در سینمای ایران با نام «اقتباس» عرضه می‌شود، نه بازآفرینی که نوعی بیگانگی با متن است؛ تولدهایی بی‌پدر و مادر که تنها نامی از رمان را یدک می‌کشند. مستور در تحلیلی صریح از سریال «سووشون» مرز میان وفاداری و خلاقیت را ترسیم می‌کند و از فیلم‌سازان می‌خواهد به جای اسیر شدن در بازنمایی‌های سطحی، شعله‌ درونی اثر ادبی را در تصویر جان ببخشند.

مستور از معدود نویسندگانی است که هم در ادبیات داستانی صاحب‌نام است و هم در نقد فرهنگی، صدایی صریح و مستقل دارد. او نه فقط نویسنده‌ای دغدغه‌مند بلکه اندیشمندی است که به سادگی تسلیم جریان‌های رایج نمی‌شود. در نشست تحلیلی مجله «فیلم امروز» با حضور مصطفی مستور فرصتی شد برای واکاوی ژرف وضعیت اقتباس ادبی در سینمای ایران. این گفت‌وگو با تمرکز بر سریال «سووشون» به کارگردانی نرگس آبیار به بستری جدی برای طرح پرسش‌های بنیادی درباره‌ی چستی اقتباس، میزان وفاداری به متن ادبی و حدود خلاقیت فیلم‌سازان در این عرصه بدل شد.

مستور سخنان خود را با نگاهی انتقادی و بی‌پرده آغاز و چنین اظهار کرد: «لطفاً این جمله را سانسور نکنید: گویی سینمای ایران به هیولایی بدل شده که همه‌چیز را در کام خود می‌بلعد». به باور او، این سینما نه‌تنها بستری برای پرورش استعدادها نیست بلکه حتی فیلم‌سازان مستعد و خلاق را نیز به سوی میان‌مایگی سوق می‌دهد. او با اشاره به برخی کارگردانان که در گذشته، آثاری درخشان در کارنامه داشتند اما اکنون در ورطه‌ی تکرار و ابتذال افتاده‌اند، این روند را نگران‌کننده و هشدارآمیز دانست.

او به‌صراحت بیان کرد: «کارگردانی که روزگاری از امیدهای سینمای ایران بود، امروز به فیلم‌سازی در حد آثار درجه سه تقلیل یافته است. این یک اتفاق تصادفی نیست. برخی آگاهانه به سمت تولید آثار سطحی و سخیف می‌روند و این جای تأمل دارد.»

مستور که خود را با «پیش‌فرضی منفی» نسبت به محصولات سینمایی و تلویزیونی توصیف می‌کرد، اذعان داشت که تنها به‌خاطر موضوع این نشست و اهمیت بحث اقتباس، سریال «سووشون» را به تماشا نشسته است. با این حال، برخلاف انتظارش، سریال را اثری موفق و امیدوارکننده ارزیابی کرد: «سریالی است که هم از نظر شهودی و هم از منظر تکنیکی، می‌توان درباره‌ی آن سخن گفت. جرقه‌ای امیدبخش در فضای تیره‌وتار اقتباس‌های اخیر.»

او یکی از معضلات جدی اقتباس در سینمای ایران را سوءتفاهم درباره‌ی معنای اقتباس دانست و افزود: «اقتباس یعنی شعله‌ای را از آتش متن اصلی برگرفتن؛ نه صرفاً نقل ظاهر یا بازتولید دیالوگ‌ها. اقتباس باید درونمایه، روح و

شخصیت‌های اثر اولیه را در خود بازتاب دهد.» مستور در ادامه چهار معیار اصلی برای ارزیابی کیفیت یک اقتباس را برشمرد: درونمایه، شخصیت‌پردازی، زبان و فرم. به باور او، حفظ تم و شخصیت‌ها حداقل‌های یک اقتباس موفق است و چنان‌چه زبان و فرم نیز به‌درستی و در خدمت متن افزوده شوند، آن‌گاه اقتباس به سطحی بالاتر می‌رسد. او فیلم «گاو» ساخته‌ی داریوش مهرجویی را نمونه‌ای موفق دانست که هر چهار رکن را به نیکی منتقل کرده است، در حالی که فیلم «خاک» را واجد ناهماهنگی میان روح رمان و فیلم نهایی توصیف کرد.

یکی دیگر از محورهای اساسی بحث، تکنیک میان نقش نویسنده و فیلم‌ساز در فرآیند اقتباس بود. مستور تأکید کرد، زبان اثر متعلق به فیلم‌ساز است اما درونمایه و شخصیت‌ها باید ریشه در متن ادبی داشته باشند. او افزود: «فیلم‌ساز می‌تواند فرم را بشکند و زبان جدیدی خلق کند اما حق ندارد، مضمون اثر را دگرگون سازد یا آن را به ضد خود بدل کند و همچنان مدعی اقتباس باشد.»

مسأله وفاداری به متن ادبی نیز از دیگر موضوعات مورد بحث بود. مستور با تأکید بر این‌که وفاداری افراطی ممکن است خلاقیت فیلم‌ساز را محدود کند، گفت: «نمی‌توان انتظار داشت که تمامی جزئیات یک رمان در فیلم بازتاب یابد و اساساً نباید چنین خواستی داشت. هنر فیلم‌ساز در انتخاب دقیق لحظاتی است که باید بر آن‌ها مکتب یا عبور کند». او به صحنه‌ای در سریال «سووشون» اشاره کرد که در آن شخصیت‌ها به بیمارستان وارد می‌شوند؛ صحنه‌ای که در متن رمان وجود ندارد، اما در سریال با تصویری تأثیرگذار و چندلایه ارائه شده است. مستور این افزوده را مصداق خلاقیت سازنده در اقتباس دانست و آن را ضروری برای گسترش جهان اثر معرفی کرد.

مستور ضمن تمجید از جسارت نرگس آبیار در به‌کارگیری هزاران بازیگر و استفاده از لوکیشن‌های متنوع، خاطرنشان کرد: «فیلم‌ساز اگر خواهان اقتباسی درست باشد باید در عین وفاداری به تم و شخصیت‌ها از ظرفیت‌های بصری سینما بهره‌گیرد تا جهانی تازه و باورپذیر خلق کند.» او در بخش دیگری از گفت‌وگو به محدودیت‌های سیاسی و نظارتی موجود در کشور اشاره کرد و گفت: «وقتی فیلم‌ساز در پی بازنمایی فقر، فلاکت و تبعیض تاریخی است به سیاه‌نمایی متهم می‌شود. در چنین شرایطی چگونه می‌توان انتظار اقتباسی واقعی و مؤثر داشت؟» مستور در تحلیل سریال «سووشون» تأکید کرد یکی از نقاط قوت آن، جسارت در افزودن بخش‌هایی فراتر از متن اصلی است: «این افزوده‌ها هم‌چون حاشیه‌نویسی‌های ضروری بر متن‌اند. البته باید بیشتر نیز می‌بودند؛ مانند بازنمایی طبقات فرودست، گرسنگی و بی‌عدالتی. بدون این‌ها، نمی‌توان از اقتباسی کامل سخن گفت.»

او در پایان تفاوت میان اقتباس و الهام گرفتن را نیز تبیین کرد و گفت: «اگر قرار است تنها یک ایده کلی از یک رمان گرفته شود و اثری کاملاً متفاوت ساخته شود، آن را نباید اقتباس نامید بلکه باید گفت، الهام گرفته شده است. اقتباس یعنی فرزندِ مشروع از یک متن؛ نه تولدی نامعلوم و بی‌نسب».

رهایی از رنج و درد

مریم حسینیان نویسنده پس از سال‌ها مبارزه با سرطان درگذشت

درونی و متناقض یک زن را به تصویر بکشد. این اثر با ساختار پر فراز و نشیب، غافل‌گیری‌های فراوان و صحنه‌هایی تکان دهنده، مخاطب را با خود همراه کرده و توجه او را به خوبی جلب می‌کند.

جادویی در کنار جهان واقعی

«ما اینجا داریم می‌میریم» دومین رمان حسینیان است که زنان و دنیای آن‌ها از دغدغه‌هایش بود. «ما اینجا داریم می‌میریم» در فضایی واقعی می‌گذرد اما نویسنده با افزودن رگه‌هایی از فانتزی، کارش را به رئالیسم جادویی نزدیک می‌کند و به جهان واقعی داستانش رنگی بویی تازه می‌دهد. جهان مرموز و جادویی در کنار جهان و رخداد‌های واقعی، روایت داستان را شکل می‌دهد. در این داستان هم حضور «پری» که پیشینه‌ای افسانه‌ای اسطوره‌ای در ادبیات ایران و جهان دارد، در جهان مدرن داستان به عنصری جذاب تبدیل شده است. این سبک نوشتن در رمان دیگر او یعنی «بانو گوزن» هم دیده می‌شود. آیارتمانی در یوسف‌آباد محل وقوع داستان است. آدم‌هایی در این خانه زندگی می‌کنند و آدم‌هایی می‌آیند و می‌روند. نیروی پیش‌برنده و درگیرکننده در داستان اختلاف دو خواهری است که در این خانه زندگی می‌کنند. آدم‌هایی متفاوت که ناچارند، یکدیگر را تحمل کنند. زنی متعصب که کینه و نفرتی از خواهر کوچک‌تر خودش دارد چراکه خواهرش شاد و سرخوش است. از شخصیت‌های دیگر کتاب می‌توان به دختر جوانی اشاره کرد که سرگرم رأی جمع کردن برای انتخابات است و نیز زنی خانه‌دار که خانه‌اش در حال فروریختن است؛ همچنین شخصیت‌هایی جادویی که ناظر قصه‌اند. در یک طبقه از آپارتمان، دو خواهر یعنی گوهر و پری زندگی می‌کنند که تفاوت‌های فرهنگی و سلیقه‌ای دارند. پری مطلقه و سرخوش است و در پی شادی اما گوهر، بازنشسته‌ای فرهنگی متعصب و سرسخت و مزوی است. مردی دندان‌پزشک و همسر بیماراش ساکن یکی دیگر از طبقات هستند و خانواده‌ای با دو فرزند، ساکن طبقه‌ای دیگر؛ این خانواده بعد از مدت‌ها نواسته‌اند از محله‌ای پایین‌تر به این محل بیایند. در این میان شخصیت‌هایی فرعی نیز وجود دارند. همه‌ی این شخصیت‌ها، نادانسته یا هم در ارتباط هستند. پری‌های کوچک از ساکنان دیگر این آپارتمان هستند که در کنار این آدم‌ها حضور دارند. کار این پری‌ها این است که خوشبختی‌های کوچکی در جیب مردم می‌اندازند، آن‌ها گم شده‌اند و از آشپزخانه



«بهار برارم کاموا بیاور» مریم حسینیان، رمانی است در ژانر ادبیات گوتیک که در نخستین سال انتشار خود، در لیست نامزدهای جایزه‌ی بنیاد هوشنگ گلشیری قرار گرفت. داستان از توالی مشخصی برخوردار نیست و نویسنده مرتب خوانندگان خود را از گوشه‌ای به گوشه دیگر قصه هدایت می‌کند. ماجرای اصلی رمان که در ۲۳ فصل روایت شده در خانه‌ای اتفاقی می‌افتد که در مکانی دورافتاده و درست وسط برف و کولاک واقع شده است. مکانی که در آن به جز همین خانه، خانه دیگری به چشم نمی‌خورد. حسینیان از همان ابتدای قصه، خواننده را با فضایی که کاراکترها در آن قرار گرفته‌اند، آشنا می‌کند و داستانی دلهره‌آور و سرشار از تعلیق را پیش روی او قرار می‌دهد. راوی «بهار برارم کاموا بیاور» یک زن است که قصه را در قالب نامه

برای همسر خود بازگو می‌کند اما مخاطب از نام او و همسرش بی‌اطلاع است و این بی‌اطلاعی، عنصری است که نویسنده، داستان را با آن پیش می‌برد و خواننده در پایان قصه متوجه دلیل آن می‌شود. «بهار برارم کاموا بیاور» با وجود این‌که نخستین رمان مریم حسینیان بود اما تمام معیارهای یک اثر حرفه‌ای را داراست و توانست با فضاسازی درست و چندگانه، قصه‌ای لایه لایه از اضطراب‌ها و دنیای

گزارش سینمای جهان

ماجرای فینچر و تارانتینو

ادامه روزی روزگاری هالیوود در حال فیلمبرداری است

مرموز با بازی پیت است که اکنون یک «کارچاق‌کن» هالیوود شده است. فیلم «روزی روزگاری در هالیوود» تارانتینو در سال ۲۰۱۹ نامه عاشقانه این کارگردان به دوران گذشته بود. اینکه فینچر قصد دارد ایسن لحن را ادامه دهد یا آن را به چیزی تاریک‌تر بدل کند هنوز روشن نیست. تارانتینو نخستین بار شخصیت کلیف بوث را در فیلم سال ۲۰۱۹ خود «روزی روزگاری در هالیوود» معرفی کرد؛ جایی که برد پیت با ایفای نقش بدلکار آرام، خونسرد و کاریزماتیک دهه ۱۹۶۰ جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را دریافت کرد. تارانتینو بعدتر در رمان‌نویسی سال ۲۰۲۱ خود از این فیلم، این شخصیت را بیش از پیش گسترش داد.



دوربین‌ها در لس‌آنجلس آماده شده‌اند و دیوید فینچر کارگردانی فیلم «ماجرای کلیف بوث» با بازی برد پیت را شروع کرد. از زمان ساخته شدن «روزی روزگاری در هالیوود» درباره کلیف بوث و سرگذشتش، شک و تردیدهایی وجود داشت و حالا ایده کارگردانی یک فیلم بر مبنای فیلمنامه تارانتینو توسط دیوید فینچر با محوریت بدلکار بی‌خیال با بازی برد پیت بیشتر شبیه آرزوهای محقق شده طرفداران است.

حتی پس از آن‌که نام فینچر به عنوان کارگردان اعلام شد و پیت هم حضور خود را در این فیلم تأیید کرد، کمپانی‌ها برای خرید آن شک داشتند. حتی اعلام رسمی ساخته شدن این فیلم در روز اول آوریل هم کمکی نکرد و بسیاری آن را یک شوخی هوشمندانه به جای یک اعلام رسمی به حساب آوردند.

حالا این اتفاق در حال رخ دادن است. دوربین‌ها در لس‌آنجلس در حال حرکت هستند و فینچر و پیت آماده کار. انتظار می‌رود در روزهای آینده اسامی بازیگران بیشتری اعلام شود، هرچند تاکنون در کنار برد پیت از حضور کارلا گوگینو، یحیی عبدالمتین دوم، الیزابت دیبکی، اسکات کان و جی‌بی تادنا اطمینان وجود دارد. اما درباره حضور لئوناردو دی‌کاپریو، که به او پیشنهاد ایفای حضوری کوتاه در نقش ریک دالتون داده شده بود، خبری منتشر نشده است. در مورد اینکه مدیر فیلمبرداری کیست هم انتظار می‌رود، اریک مسراشمیت همکار همیشگی فینچر باشد. طبق گزارش‌ها فیلم «ماجرای کلیف بوث» یک فیلمبرداری بسیار جاه‌طلبانه دارد و تولید فیلم از ۲۸ جولای (۶ تیر) آغاز شده و تا دسامبر ادامه می‌یابد. فیلمنامه این فیلم توسط تارانتینو نوشته شده و داستان از جایی شروع می‌شود که «روزی روزگاری در هالیوود» او به پایان رسیده بود و درباره بدلکار

دیدگاه: یادداشت سینمایی

سینما به مثابه تزکیه

جایگاه کاتارسیس و والایش در فلسفه اخلاقی سینما

می‌کند. برای مثال در ۱۲ سال بردگی (استیو مک کوئین ۲۰۱۳) تماشاگر ابتدا رنج فردگی سالومون را می‌بیند و با کاتارسیس (ترحم و خشم نسبت به بی‌عدالتی) حس همدلی‌اش افزون می‌شود. والایش این همدلی را یک گام فراتر می‌برد و ممکن است، تماشاگر را به آگاهی درباره مسائل تاریخی نژادپرستی در آمریکا یا انگیزه برای مبارزه با بی‌عدالتی‌های کنونی سوق دهد. این تحول عاطفی – اخلاقی نشان می‌دهد که سینما می‌تواند در رشد اخلاقی مخاطبانش تأثیرگذار باشد.

کاتارسیس اغلب با قضاوت اخلاقی همراه است؛ زیرا تماشاگران حین تجربه عاطفی، رفتارها و انتخاب‌های شخصیت‌ها را ارزیابی می‌کنند. این فرآیند با نظر به‌های اخلاق هنجاری مانند وظیفه‌گرایی و پیامدگرایی مرتبط است. مثلاً در پرتقال کوکی (استتلی کوبریک ۱۹۷۱) تماشاگر با خشونت الکس سیس مجازات او مواجه می‌شود. کاتارسیس از طریق ترس و ترحم ایجاد می‌شود اما والایش جایی اتفاق می‌افتد که تماشاگر به تأمل درباره پرسش‌هایی مانند آزادی اراده، اخلاقیات اصلاح رفتار و ماهیت شر می‌پردازد و بدین‌ترتیب چارچوب‌های اخلاقی خویش را بازنگری می‌کند.

از سوی دیگر تجربه جمعی تماشای فیلم نیز در سالن سینما که کاتارسیس را می‌پروراند، می‌تواند به والایش جمعی بینجامد. تماشاگران با به اشتراک گذاشتن احساسات شدید، حس همبستگی عاطفی و اخلاقی می‌یابند که به گفت‌وگوهای اجتماعی یا کنش‌های اخلاقی منجر می‌شود. برای مثال، فیلم هتل رواندا (تری جرج ۲۰۰۴) به نسل‌کشی ۱۹۹۴ در رواندا و بی‌تفاوتی جامعه جهانی می‌پردازد. در این میان مدیر هتل با به خطر انداختن جان خود و خانواده‌اش بیش از ۱۲۰۰ نفر را در هتل خود پناه و نجات می‌دهد. این فیلم پرسش‌هایی درباره مسئولیت فردی در بحران‌های جمعی، شجاعت اخلاقی و ارزش انسانیت در برابر وحشیگری مطرح می‌کند. کاتارسیس از طریق ترس و ترحم نسبت به قربانیان و والایش از مسیر امید به نجات‌یافتگان پدید می‌آیند.

نکته دیگر آنکه کاتارسیس و والایش به پارادوکس لذت تراژیک (چرا از رنج لذت می‌بریم؟) مرتبط هستند که یکی از مسائل زیبایی‌شناسی اخلاقی است. کاتارسیس لذت را از طریق تخلیه عاطفی فراهم می‌کند، درحالی که والایش این لذت را به تجربه‌ای متعالی‌تر (مانند درک عمیق‌تر ارزش‌های انسانی) ارتقا می‌دهد. برای مثال در مرثیه‌ای برای یک رویا (دارن آرونوفسکی ۲۰۰۰) تماشاگر از مشاهده رنج اعتبار لذت تراژیک می‌برد (کاتارسیس) اما این لذت به تأمل درباره معنای زندگی و مسئولیت فردی تبدیل می‌شود (والایش). این فرآیند به فلسفه اخلاق کمک می‌کند تا رابطه بین لذت، رنج و ارزش‌های اخلاقی را بکاود. سینما با بهره از ابزارهای بصری و روایی، فضایی منحصره‌فرد برای تجربه کاتارسیس و والایش فراهم می‌سازد. تاریکی سالن سینما و تمرکز جمعی تماشاگران، این تجربه را به آیینی تأمل‌بخش مبدل می‌سازد که در آن احساسات و پرسش‌های اخلاقی به صورت همزمان متبلور می‌شوند. کاتارسیس تماشاگر را با احساساتی خام (مانند ترس یا خشم) روبه‌رو می‌کند، درحالی که والایش این احساسات را به سوی تأملات عمیق‌تر و کنش‌مندی می‌کشانند. این دو فرآیند با تقویت همدلی، قضاوت اخلاقی و آگاهی اجتماعی، سینما (از جمله بسیاری از فیلم‌های سینمای ایران) را به محملی قدرتمند برای کاوش در فلسفه اخلاق تبدیل می‌کنند.



مهرزاد دانش

منتقد

این روزها که سینما مورد طعن سیاست‌بازان واقع شده است و چنان مضحکه‌ای به پا شده که فیلمی را عامل طلاق می‌دانند و اثری دیگر را باعث تباهی جوانان، بی‌مناسبت نیست نسبت سینما با فلسفه اخلاق با تمرکز بر دو مفهوم کاتارسیس (Catharsis) و والایش (sublimation) به‌عنوان دو مفهوم کلیدی در تجربه سینمایی در مروری اجمالی بازخوانی شود. این دو مفهوم که یکی ریشه در فلسفه ارسطویی و دیگری در روان‌کاری فرویدی دارد نه تنها در درک زیبایی‌شناختی و عاطفی تماشاگر نقش دارند بلکه در پرورش پرسش‌های اخلاقی نیز موثر هستند و در سینمای دراماتیک و تراژیک به صورت مکمل عمل می‌کنند و تماشاگران را به ادیسه‌ای عاطفی و اخلاقی می‌برند که از تخلیه احساسات تا تحولات عمیق‌تر در دیدگاه‌های اخلاقی و اجتماعی امتداد می‌یابد.

کاتارسیس، به معنای بالایش عاطفی، تجربه‌ای است که تماشاگر در مواجهه با رویدادهای دراماتیک فیلم به ویژه در تراژدی، درام یا حتی کمدی‌های عمیق به دست می‌آورد. این روند از طریق برانگیختن احساساتی مانند ترس، ترحم، غم و خشم شکل می‌گیرد و باعث می‌شود تماشاگر این احساسات را در فضایی امن (سالن تاریک سینما) تجربه کند و از آنها رها شود. برای مثال در فیلم Manchester by the Sea (کنت لونرگان ۲۰۱۶) تماشاگر با مشاهده رنج عمیق لی چندلر (با بازی کیسی افلک) به دلیل حس گناه و فقدان فرزندان احساسات شدیدی مانند غم و همدلی را تجربه می‌کند. این تخلیه عاطفی، که ارسطو آن را به عنوان یکی از اهداف اصلی تراژدی معرفی کرده است، به مخاطب کمک می‌کند تا از فشارهای عاطفی درونی خود بکاهد و به نوعی آرامش موقت دست یابد. والایش، از سوی دیگر، فرآیندی پیچیده‌تر و متعالی‌تر است که در آن امیال یا احساسات خام و غریزی به اشکالی سازنده و خلاقانه تبدیل می‌شوند. در سینما، والایش زمانی شکل می‌گیرد که تماشاگر پس از تجربه کاتارسیس، احساساتش را به تأملات عمیق‌تر یا انگیزه‌هایی برای تغییر سوق می‌دهد. مثلاً در رستگاری در شاونشنگ (فرانک دارابونت ۱۹۹۴) تماشاگر ابتدا با بی‌عدالتی و ناامیدی در زندان مواجه می‌شود (کاتارسیس از طریق ترحم و خشم) اما بعد با مشاهده استقامت و رستگاری اندی دوفرین، این احساسات به امید، الهام و حتی تأمل درباره ارزش‌های اخلاقی مانند پشتکار و آزادی تبدیل می‌شوند (والایش). پیوند این دو مفهوم چنان است که کاتارسیس اغلب به‌عنوان پیش‌نیازی برای والایش عمل می‌کند. تخلیه عاطفی ناشی از کاتارسیس تماشاگر را برای پذیرش تجربه‌ای متعالی‌تر آماده می‌کند. فیلم انگل (بونگ جون-هو، ۲۰۱۹) را به یاد آوریم: کاتارسیس ابتدا از طریق شوک و ترحم نسبت به نابرابری طبقاتی و سرنوشت غم‌انگیز شخصیت‌ها ایجاد می‌شود اما والایش زمانی رخ می‌دهد که تماشاگر این احساسات را به تأمل درباره مسئولیت اجتماعی و عدالت اقتصادی تبدیل می‌کند.

کاتارسیس با برانگیختن احساساتی مانند ترحم و همدلی تماشاگر را با درک عمیق‌تر رنج دیگران روبه‌رو می‌سازد. این فرآیند با اخلاق فضیلت همخوانی دارد که بر پرورش ویژگی‌های اخلاقی مانند دلسوزی، عدالت‌خواهی و حکمت تأکید



و حسینیان موفق شده با خلق داستانی جذاب، خواننده را با قصهٔ خود همراه و همدل کند.

روایت رنج زندگی

مریم حسینیان در «تنوهاو کینگ‌ها: یا سازش با سوراخ‌های جوراب مورچه» به روایت دو سال از زندگی‌اش در مواجهه با بیماری سرطان می‌پردازد. این کتاب، نگاهی صمیمی و عمیق به تجربه نویسنده از این بیماری دارد و نشان می‌دهد، چگونه او به یک «تنوهاو کینگ» تبدیل شده است و می‌نویسد: لچ‌بازی... بله، لچ‌بازی با بیماری... این می‌تواند وجه اشتراک من و استیون هاوکینگ باشد. « حسینیان در این اثر به جای پرداختن به موضوعاتی مانند مبارزه با بیماری، شکست یا پیروزی بیشتر بر روی درد و زندگی در مواجهه با بیماری تمرکز دارد. او حالات بیماری را بسیار دقیق و جزئی توصیف می‌کند و این توصیفات، عامل اصلی جذابیت و گیرایی روایتش است. این توصیفات نه تنها درد و رنج بیماری را دربرمی‌گیرد بلکه بر رفتارهای اطرافیان با فرد بیمار نیز تمرکز می‌کند. هم‌چنین بر اساس حالات درونی شخصیت طرح‌ریزی شده و درون‌گرایانه است. «تنوهاو کینگ‌ها» داستانی است که از میانهٔ ماجرا آغاز می‌شود؛ جایی که چند ماهی از جراحی و دورهٔ اول شیمی‌درمانی نویسنده گذشته اما متوجه دو کیست آبدار در حفرهٔ شکم خود می‌شود. این آغاز سفری است به درون ذهن و بدن او، سفری که با درد، امید، ترس و پذیرش همراه است. حسینیان با بیانی ساده و صمیمی اما در عین حال ادبی و پرورده، تجربیات خود را از مراحل مختلف بیماری، از تشخیص تا درمان و مواجهه با چالش‌های روحی و جسمی به اشتراک می‌گذارد. یکی از ویژگی‌های برجستهٔ این کتاب، هم‌ذات‌پنداری نویسنده با استیون هاوکینگ، فیزیک‌دان مشهور است. او در طول داستان با هاوکینگ به گفت‌وگو می‌پردازد و از او به عنوان نمادی برای پذیرش و مقابله با محدودیت‌های جسمی استفاده می‌کند. این ارتباط، به کتاب عمقی فلسفی می‌بخشد و نشان می‌دهد چگونه می‌توان با وجود محدودیت‌ها به زندگی ادامه داد و حتی در آن معنا یافت.

کالیفرنیا انجام شود تا علاوه بر بهره‌برداری از مشوق‌های مالیاتی جدید این ایالت، فضای جهان «روزی روزگاری در هالیوود» نیز حفظ شود.

ظاهر فیلم چگونه خواهد بود؟

نخستین تصاویر منتشرشده از برد پیت در صحنه فیلمبرداری نشان می‌دهد که او همچنان شلوار جین آبی و پیراهن زرد آستین کوتاه و یک تی‌شرت زیر آن را بر تن دارد. موهای بلند بلوند او حفظ شده اما این بار سیبل دارد که به حس دهه ۷۰ فیلم افزوده است.

فیلم از کجا پخش خواهد رفت؟

به‌عنوان یک اثر اورجینال نتفلیکس، انتظار می‌رود «ماجراهای کلیف بوث» مستقیماً در این پلتفرم منتشر شود. ممکن است نمایش‌هایی محدود در جشنواره‌ها یا سینماهای خاص داشته باشد اما با توجه به سیاست نتفلیکس در عدم اکران گسترده فیلم‌ها (به‌جز پروژه‌های خاص مانند «ماجراهای نارنیا» از گرتا گروینگ) احتمالاً زمان زیادی روی پرده سینما نخواهد داشت. این فیلم سومین همکاری فینچر با نتفلیکس است: «منک» در سال ۲۰۲۰ و «قاتل» در سال ۲۰۲۳ در این پلتفرم پخش شدند. فینچر همچنین در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ تهیه‌کننده اجرایی و کارگردان سریال «شکارچی ذهن» در نتفلیکس بود. در مقابل، «روزی روزگاری در هالیوود» توسط سونی در سال ۲۰۱۹ به‌صورت گسترده در سینماها اکران شد و ۳۷۷ میلیون دلار در گیشه جهانی فروش داشت.

دیگر عوامل فیلم چه کسانی هستند؟

تارانتینو به‌عنوان نویسنده و برد پیت به‌عنوان بازیگر نقش اصلی همچنین در مقام تهیه‌کننده در پروژه حضور دارند. دیوید هایمن (تهیه‌کننده «روزی روزگاری در هالیوود») به همراه سسیان شافین و استیسی شر نیز از تهیه‌کنندگان فیلم هستند. این پروژه در شرکت (Plan B Entertainment) متعلق به برد پیت توسعه یافته است.

تاریخ اکران چه زمانی خواهد بود؟

با توجه به شروع اخیر فیلمبرداری، انتظار می‌رود تولید فیلم تا اواخر سال جاری میلادی ادامه داشته باشد. پس از آن وارد مرحله پس‌تولید شده و به احتمال زیاد در جدول پخش تفلیکس برای سال ۲۰۲۶ قرار گیرد. با این حال، تاریخ رسمی اکران هنوز اعلام نشده است.

گوهر و پری سر درآورده‌اند. این پری‌های کوچک، حال و هوای واقعی و روزمرهٔ داستان را از شکل عادی آن خارج می‌کنند و روح تازه‌ای به آبارتمان می‌دمند. آن‌ها در جهانی پاک و معصومانه زندگی می‌کنند و هیچ درکی از زشتی‌های این جهان ندارند. هر فصل رمان یک راوی دارد که از زاویه دید خودش و با مونیولوگ‌هایی ذهنی، بخشی از داستان را روایت می‌کند. همهٔ راوی‌ها در روایت خودشان حق به جانب هستند و همهٔ حق را به خودشان می‌دهند. دیدگاه‌ها و عقایدی که این راوی‌ها روایت می‌کنند، چیزهایی هستند که هر روزه در کوچه و خیابان شاهد آن هستیم و آن‌ها را می‌شنویم. مریم حسینیان کوشیده است تا با ترکیب این عناصر به روایت تازه‌ای دست یابد و سبک خاص خودش را شکل بدهد و تا حدی هم موفق شده است.

تصمیم‌گیری بر سر دوراهی

«بانو گوزن» سومین رمان مریم حسینیان است و داستان تنهایی‌های زنی در آستانهٔ یکی از بزرگ‌ترین تغییرات زندگی‌اش، یعنی مادر شدن را روایت می‌کند. «طاطا»، شخصیت اول «بانو گوزن» است که در نخستین قدم‌های پیشرفت و توسعهٔ کسب‌وکار هنری خود متوجه می‌شود که باردار است. حال او مانده و رویایی که نمی‌خواهد به‌خطر این اتفاق غیرمنتظره از آن دست بکشد اما مسألهٔ اینجاست که کودک متولد نشدهٔ او در شرایطی نامناسب قرار دارد و پزشکان اکیداً او به توصیه کرده‌اند، استراحت مطلق پیشه کند. او در این اجبار به وجود آمده، دست به مرور گذشتهٔ خود می‌زند و مخاطب را با خود همراه می‌کند. اگرچه شخصیت اول رمان یک زن است اما حسینیان این داستان را فقط برای زنان به نگارش درنیاورده است. «بانو گوزن» خطر مشترکی است که انسان‌ها می‌توانند، روی آن حرکت کنند و به واسطهٔ حرکت روی این خط مشترک، یکدیگر را درک کنند. در این رمان پای افکار و احساساتی در میان است که پیرامون عمیق‌ترین تجربیات انسانی شکل می‌گیرند؛ کیست که نتواند داشتن یک رویا و تلاش برای آن سپس قرار گرفتن در وضعیتی که شخص را وادار به عقب کشیدن موقت یا دائم از آن رویا می‌کند، درک نکند؟ رنجی که در «بانو گوزن» به تصویر کشیده شده، رنجی ملموس برای همهٔ انسان‌هاست

چه کسانی در فیلم حضور دارند؟

از همان ابتدا تأیید شد که برد پیت بار دیگر نقش اصلی کلیف بوث را ایفا خواهد کرد. پیت پیش‌تر در همکاری‌های خلاقانه با فینچر در فیلم‌های «باشگاه مشت زنی» و «هفت» موفقیت‌آمیز ظاهر شده بود بنابراین «ماجراهای کلیف بوث» سومین همکاری این دو خواهد بود. علاوه بر پیت، بازیگرانی چون اسکات کان، الیزابت دبیک، یحیی عبدالمتین، کارلا گوگینو، هولت مک‌کالانی، جی‌بی تادنا و کوری فوگلمانیس نیز در این فیلم ایفای نقش می‌کنند. هیچ‌یک از این بازیگران در فیلم اصلی «روزی روزگاری در هالیوود» حضور نداشتند و جزئیات نقش‌های آنها هنوز محرمانه باقی مانده است.

فیلم کجا فیلمبرداری می‌شود؟

فیلمبرداری دنباله «روزی روزگاری در هالیوود» در لس‌آنجلس انجام می‌شود. به‌طور مشخص، گروه تولید یک بلوک از محله هایلند پارک شهر را تصاحب کرده‌اند که مرکز آن تاتر تاریخی هایلند است. تصاویر منتشرشده از لوکیشن‌ها در فضای مجازی نشان می‌دهد که فروشگاه‌ها و مغازه‌های اطراف تاتر به شکلی بازسازی شده‌اند تا فضای دهه ۱۹۷۰ را با فروشگاه‌های لوازم الکترونیکی قدیمی، بوتیک‌ها و سالن‌های آرایش بازآفرینی کنند. انتظار می‌رود، کل فیلمبرداری در



شناسه آگهی: ۱۹۷۳۷۳۳



بانک ملی ایران

آگهی مزایده املاک و اموال تملیکی و مازاد بانک ملی ایران نوبت چهارم سال ۱۴۰۴ استان گلستان

دریافت اسناد مزایده از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) اقدام نمایند.

تاریخ نمایش در سایت ستاد: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱
مهلت دریافت اسناد مزایده تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۸ ساعت ۱۳:۰۰

تاریخ بازدید از املاک ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ لغایت ۱۴۰۴/۰۵/۲۸
مهلت ارسال پیشنهاد: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸ تا ساعت ۱۳:۰۰
تاریخ بازگشایی: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱
تاریخ اعلام به برنده ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

م الف ۱۵۶۳

بانک ملی استان گلستان در نظر دارد املاک و مستغلات تحت اختیار خود را از طریق مزایده عمومی و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده، با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (setadiran.ir) و با شماره مزایده ۲۰۰۴۰۰۲۶۸۱۰۰۰۰۴

به صورت الکترونیکی به فروش رساند.
توجه: امکان شرکت در مزایده بدون دریافت اسناد مزایده میسر نمی باشد لذا متقاضیان شرکت در مزایده حتماً میبایست جهت شرکت در مزایده تا قبل از اتمام تاریخ مهلت دریافت اسناد مزایده (ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۸) نسبت به م الف ۱۵۶۳



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

سه رویداد کاهنده

چگونه هفته‌ای منفی در بازار سهام رقم خورد؟

نسربین خدادادی

گروه اقتصاد

در روزهای اخیر، بازار سرمایه ایران با افت قابل توجهی روبه‌رو شد که علت اصلی آن را می‌توان در همزمانی سه رویداد مهم جست‌وجو کرد. این سه رویداد به‌طور هم‌افزا بر شاخص‌های بورس تهران تأثیر منفی گذاشتند و فضای معاملات را به‌شدت تحت تأثیر قرار دادند. نخستین عامل نزدیک شدن به پایان فصل مجامع بود؛ این موضوع باعث کاهش تقاضا برای خرید سهام برخی شرکت‌ها شد چراکه تعدادی از سرمایه‌گذاران پس از دریافت سود نقدی، دیگر انگیزه‌ای برای باقی ماندن در بازار یا ورود مجدد به آن نداشتند. این مساله در حالی رخ داده است که قیمت بسیاری از نمادها پس از مجامع به محدوده‌های جذاب بنیادی رسیده و نسبت قیمت به درآمد یا همان P/E آنها به کمتر از چهار واحد سقوط کرده است. با وجود این، خریداران همچنان با تردید و بهانه‌های مختلف از ورود به موقعیت خرید در بازار خودداری می‌کنند.

دومین عامل موثر، شکست مذاکرات ایران با تروئیکای اروپایی و به تعویق افتادن ادامه مذاکرات به دور بعدی بود. این تعویق از نگاه فعالان بازار سرمایه به‌عنوان سیگنالی منفی تلقی شد و بر ابهامات سیاسی و اقتصادی در ذهن سرمایه‌گذاران افزود. عامل سوم، اظهارات و مواضع جدید مقامات سیاسی ایران و ایالات‌متحده بود که فشار فروش را در روزهای پایانی هفته دوچندان کرد و به تشدید جو منفی در بازار منجر شد.

در نتیجه این عوامل، شاخص کل بورس تهران طی هفته گذشته افت ۵/۴۷ درصدی را تجربه کرد، در حالی که شاخص هم‌وزن نیز با کاهش ۴/۱۵ درصدی روبه‌رو شد. این میزان بازدهی منفی، بیشترین کاهش هفتگی بازار از زمان هفته منتهی به ۱۱ تیرماه امسال به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر، ارزش کل بازار در پایان معاملات روز چهارشنبه به حدود ۱۰۴ میلیارد دلار رسید که این عدد کمترین میزان از تاریخ ۲۰ فروردین سال جاری تاکنون بوده است. همچنین میانگین ارزش معاملات خرد در هفته اول مرداد به حدود ۴۴۰۰ میلیارد تومان رسید، رقمی که پایین‌ترین سطح ثبت شده از ابتدای سال تاکنون محسوب می‌شود.

افزون بر این، خروج بیش از پنج هزار میلیارد تومان پول حقیقی از بازار طی همین هفته، نشان‌دهنده بی‌اعتمادی جدی سرمایه‌گذاران خرد به ادامه حمایت‌های نهادی و پایدار از بازار بود. این میزان خروج سرمایه حقیقی در دوره‌ای که به‌تازگی بازار از شوک جنگ ۱۲ روزه خارج شده بسیار قابل توجه و کم‌سابقه ارزیابی می‌شود. برخی تحلیلگران بر این باورند که نگاه بدبینانه بازار به وضعیت فعلی ناشی از تحلیل این نکته است که ابزارهای حمایتی عملاً دیگر کارایی پیشین خود را از دست داده‌اند و خریدهای سازمانی، توان متوقف کردن ریزش‌ها را ندارند.

از منظر اقتصادی نیز برخی متغیرها سیگنال مثبتی برای آینده بازار ارسال نمی‌کنند. برای مثال، اختلاف قابل توجه بین نرخ دلار توافقی و نرخ بازار آزاد به حدود ۲۸ درصد رسیده است که در مقایسه با روند تاریخی آن رقم بالایی محسوب می‌شود. همچنین نرخ سود بدون ریسک نیز از مرز ۳۵ درصد عبور کرده است، در حالی که بازده اوراق بدهی طی هفته گذشته به کمتر از ۳۴ درصد کاهش یافته بود. این شرایط در کنار نسبت P/E پایین در بسیاری از نمادها و عدم استقبال خریداران، نشان‌دهنده ضعف شدید تقاضا در بازار است. شایان ذکر است که با وجود انتشار گزارش‌های مالی مثبت از برخی صنایع مانند دارویی، سیمانی، غذایی و نیروگاهی، فشار فروش در سطح کلی بازار همچنان گسترده باقی مانده است. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که ممکن است، شاخص کل بورس در محدوده حمایتی دو میلیون و ۶۵۰ هزارواحدی متوقف شود و بازار وارد فاز نوسانی و حرکت رنج‌گونه شود؛ اما اگر فضای بدبینی در خصوص نتایج مذاکرات و تحولات سیاسی تداوم یابد حتی این سطح حمایتی نیز ممکن است به راحتی شکسته شود. در چنین شرایطی، ریسک سرمایه‌گذاری در بورس برای بازیگران بازار به‌شدت افزایش خواهد یافت. با این حال با فرض آنکه در روزهای آینده و با عدم ائتلاف زمان، ورق رویدادهای سیاسی و اقتصادی به نفع اقتصاد و بازار سرمایه بازگردد، می‌توان شاهد روند صعودی برای بازپس‌گیری قله‌های پیش‌رو توسط شاخص‌های سهامی بود.

سه سناریو برای آینده

اقتصاد ایران به کدام سو می‌رود؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

ناترازی‌های اقتصاد ایران، از جمله کسری بودجه، ناترازی در نظام بانکی، صندوق‌های بازنشستگی و بخش انرژی به یک بحران ساختاری تبدیل شده‌اند. این ناترازی‌ها که ریشه در دهه‌های گذشته دارند به دلیل نبود اصلاحات ساختاری و تشدید تحریم‌ها روزبه‌روز عمیق‌تر شده‌اند. نتیجه این وضعیت، تورم مزمن، کاهش قدرت خرید مردم و اختلال در زنجیره تولید و توزیع است. برای مثال، ناترازی در بخش انرژی منجر به قطعی‌های مکرر برق و گاز شده که مستقیماً تولید صنعتی و کسب‌وکارهای کوچک را مختل کرده است. این وضعیت، اعتماد عمومی به سیستم اقتصادی را کاهش داده و مردم را به سمت رفتارهای احتیاطی مانند تبدیل دارایی‌ها به ارز یا طلا سوق داده است.

از سوی دیگر عدم قطعیت مانند یک مه غلیظ، تصمیم‌گیری را در همه سطوح ناممکن کرده است. در سطح فردی، مردم با پرسش‌های بی‌پاسخی مواجه‌اند: آیا سرمایه‌گذاری در بازارهای داخلی امن است؟ آیا باید دارایی‌ها را به خارج منتقل کرد؟ آیا خرید ارز یا طلا منطقی است یا حباب قیمتی در انتظار است؟ این سردرگمی باعث شده که بسیاری از خانوارها از تصمیم‌گیری‌های بلندمدت اجتناب کنند و به جای آن به رفتارهای کوتاه‌مدت و تدافعی روی آورند. این رفتار جمعی، تقاضا برای ارز و طلا را افزایش داده و فشار بیشتری بر بازارهای مالی وارد کرده است.

به این ترتیب در شرایط فعلی، دو ویژگی مهم، وضعیت اقتصاد ایران را مشخص می‌کنند. ویژگی اول ناترازی‌های بزرگ و تاریخی اقتصاد ایران است که به طور مستمر تشدید می‌شود و زندگی و کسب‌وکار مردم را مختل کرده است. ویژگی دوم اقتصاد ایران، عدم قطعیت‌های بزرگی است که هم بر زندگی و کسب‌وکار مردم اثر می‌گذارد و هم تصمیم‌های دولت را با اگر و اما مواجه کرده است. هر دو ویژگی روی تصمیم‌های فردی و جمعی و همین‌طور روی تصمیم‌هایی که دولت باید در این شرایط بگیرد، اثرگذار بوده‌اند.

در حال حاضر تصمیم‌های شخصی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و مردم نمی‌دانند چه تصمیمی بگیرند و تصویری از شرایط آینده ندارند. از جمله مطمئن نیستند که چه تصمیمی درست است و نمی‌دانند با پول و دارایی‌هایی خود چه کنند.

این سردرگمی فقط مختص مردم نیست، دولت هم نمی‌داند چه تصمیمی باید بگیرد. در سطح کلان، دولت و بانک مرکزی در یک دوراهی استراتژیک قرار دارند. انتخاب سیاست ارزی نمونه‌ای روشن از این چالش است. اگر بانک مرکزی رویکرد محافظه‌کارانه‌ای اتخاذ کند و تخصیص ارز را محدود به کالاهای اساسی کند، این سیاست می‌تواند عرضه ارز در بازار آزاد را کاهش دهد، نرخ ارز را افزایش دهد و تورم را تشدید کند. این سناریو به‌ویژه در صورت تشدید تنش‌های نظامی یا تحریم‌ها، می‌تواند اقتصاد را به

بازار سهام

خیز دلار، سکون سکه

در بازار ارز و دلار چه خبر بود؟

مهتاب شهریاری

گروه اقتصاد

قیمت دلار در هفته گذشته عمدتاً در کانال ۸۸ و ۸۹ هزار تومان قرار داشت. اسکناَس آمریکایی در حالی برای بازگشت و بازپس‌گیری قله ۹۰ هزار تومانی خیز برداشته است که فضای سیاسی و اخبار مرتبط با تنش‌های ایران و آمریکا بر بازار سایه انداخته‌اند. در مجموع بازدهی هفتگی دلار در بازار آزاد حدود ۸۵/۰ درصد گزارش شده است. اما همچنان ۹ درصد پایین‌تر از قیمتی است که در ابتدای سال در آن قرار داشت.

در بازار رسمی نرخ دلار همچنان در کانال ۶۹ هزار تومان قرار دارد و حاضر به عبور از مرز روانی ۷۰ هزار تومان نیست. شکاف میان نرخ بازار آزاد و رسمی به‌طور میانگین در هفته قبل حدود ۲۷ درصد

رکود عمیق‌تری بکشاند. از سوی دیگر، اگر بانک مرکزی سیاست انبساطی در پیش گیرد و ارز را به شکل گسترده‌تری تخصیص دهد، ممکن است در کوتاه‌مدت بازار را تثبیت کند اما در صورت بروز بحران‌های پیش‌بینی نشده (مانند تنش‌های نظامی یا افت شدید درآمدهای نفتی) ذخایر ارزی به سرعت تخلیه خواهد شد. این دوراهی، نتیجه مستقیم عدم قطعیت‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی است. بنابراین دولت و بانک‌مرکزی نمی‌دانند کدام سیاست ارزی را اجرایی کنند؛ در برابر تحولات آینده منفعل بمانند و کاری نکنند یا اینکه به استقبال تحولات بروند و سیاست ارزی را به شکلی دیگر تنظیم کنند.

تصور اینکه در آینده قرار است تنش‌ها تشدید شود، باعث می‌شود که بانک مرکزی، ذخایر ارزی را حفظ کند و در هفته‌های پیش رو فقط به کالاهای اساسی ارز اختصاص دهد که این سیاست می‌تواند، رکود را به اقتصاد تحمیل کند و نرخ ارز را افزایشی کند. این سیاست همچنین می‌تواند مردم را نسبت به تحولات آینده حساس و آنها را به خرید دلار تشویق کند. از سوی دیگر اگر بانک‌مرکزی به تحولات پیش‌رو هیچ واکنشی نشان ندهد و شرایط را عادی تصور کند، آن وقت اگر در آینده تنش‌ها تشدید شود و کشور نیاز به منابع ارزی داشته باشد، در اوج تنش‌ها، خزانه خالی است.

با این توصیف به نظر می‌رسد، سه مسیر پیش رو داریم: مسیر اول، تشدید فشارهای اقتصادی است. مسیر دوم؛

تشدید فشارهای نظامی همراه با تشدید فشارهای اقتصادی است و مسیر سوم کاهش فشارهای اقتصادی است که با گام برداشتن به سمت صلح دست‌یافتنی می‌شود.

تشدید فشارهای اقتصادی می‌تواند شامل تحریم‌های بیشتر، محدودیت‌های تجاری یا فشار بر منابع مالی باشد. نتیجه احتمالی آن افزایش مشکلات اقتصادی برای طرف‌های هدف اما ممکن است مقاومت یا اقدامات متقابل را نیز تقویت کند. این سناریو معمولاً در کوتاه‌مدت فشار ایجاد می‌کند اما در بلندمدت ممکن است به بن‌بست یا تشدید تنش منجر شود. تشدید فشارهای نظامی همراه با فشارهای اقتصادی هم ریسک بالایی دارد، زیرا ترکیب فشار نظامی و اقتصادی می‌تواند به سرعت به درگیری‌های گسترده‌تر منجر شود. احتمال تشدید غیرقابل کنترل تنش‌ها در این سناریو بالاست، به‌ویژه اگر طرف‌های درگیر نتوانند کانال‌های دیپلماتیک را حفظ کنند. این مسیر ممکن است برای کوتاه‌مدت بازآرندگی ایجاد کند، اما هزینه‌های انسانی و اقتصادی آن قابل‌توجه خواهد بود.

در نهایت گام برداشتن به سمت صلح و کاهش فشارها می‌تواند بهترین سناریو برای آینده باشد. هرچند این گزینه احتمال کمتری دارد اما پایدارترین مسیر برای بلندمدت است. این سناریو نیازمند اعتمادسازی، مذاکره و امتیازدهی متقابل است. چالش اصلی، غلبه بر بی‌اعتمادی و موانع سیاسی است، اما در صورت موفقیت، می‌تواند به کاهش تنش و ثبات منطقه‌ای منجر شود.

است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر اونس طلای جهانی با ناتوانی برای عبور از مرز سه هزار و ۴۰۰ دلار وارد روند کاهشی شد. اکنون طلای جهانی حدود سه هزار و ۳۲۴ دلار به ازای هر اونس مورد معامله قرار می‌گیرد. روند معکوس اونس طلای جهانی و دلار سبب شده است تا همچنان حباب سکه‌ها در منطقه امن باقی بماند. به‌طوری که میانگین حباب هر سکه امامی طی هفته گذشته حدود ۱۲ درصد گزارش شده که در مقایسه با روند تاریخی سکه امامی را ارزنده نگه داشته است. همچنین حباب نیم‌سکه نیز در محدوده ۱۸ درصد قرار دارد. این در حالی است که همچنان حباب ربع‌سکه به طرز خوش‌بینانه‌ای در کانال ۳۰ درصد باقی مانده است. قیمت صندوق‌های طلا نیز روند رنج‌گونه‌ای را دنبال کرد. کاهش حباب ذاتی و حباب اسمی این صندوق‌ها سبب شده است تا سرمایه‌گذاران، نگاه ویژه‌ای به صندوق‌های بورسی برای پوشش ریسک نوسانات دارایی‌های خود داشته باشند.



سال هشتم شماره ۲۰۳۰
شنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۴

بررسی رویدادهای اجتماعی

کوچه



هستند که نه تنها رسانه‌ها را سر پا نگه می‌دارد بلکه اعتماد عمومی را تقویت می‌کند و از فشار روانی بر جامعه می‌کاهد. اگر مسئولان کشور به «حفظ اتحاد ملی» که از سوی رهبر انقلاب مطرح شد، باور دارند باید به جای ایجاد موانع، مسیر فعالیت آزادانه و حرفه‌ای رسانه‌ها را هموار کنند. رسانه‌ها هم‌پیمانان مهم امنیت و ثبات هستند نه دشمنان. سرمایه‌گذاری در بقای رسانه‌ها، سرمایه‌گذاری در آرامش و آگاهی جامعه است. مسئولان باید بپذیرند که اولویت دادن به واردات کاغذ و اختصاص یارانه‌های واقعی، نه لطف بلکه وظیفه آنان است. همچنین باید با صاحبان صنایع و کسب‌وکارها همکاری کنند تا چرخهٔ آگهی‌دهی دوباره فعال شود و رسانه‌ها بتوانند بر پایهٔ درآمدهای قانونی خود بایستند. فرهنگ مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی باید در وزارتخانه‌ها، نهادهای دیگر شاهد چنین بحران‌هایی نباشیم. رسانه‌ها در روزهای سخت همچنان در صف اول خواهند ماند؛ اما این حضور نیازمند حمایت صادقانه و سیاست‌های درست است. تاریخ نشان داده است که هر گاه دولت‌ها، رسانه‌ها را یار خود دانسته و ابزارهای لازم را بر اختیارشان گذاشته‌اند، آنها توانسته‌اند در برابر توفان‌های بزرگ داخلی و خارجی بایستند. برعکس، هر زمان رسانه‌ها زیر فشار و محدودیت خسته و منزوی شده‌اند، جامعه دچار بی‌اعتمادی و بحران‌های گسترده‌تر شده است. امروز زمان آن است که مسئولان با اقداماتی جدی و سریع، گرهِ‌های پیش روی رسانه‌ها را باز کنند و نشان دهند که دعوت به اتحاد ملی تنها یک شعار نیست بلکه یک دستورالعمل عملی برای حفاظت از جامعه و افزایش تاب‌آوری کشور است.

گزارش ویژه

رونمایی همراه اول از خدمات ویژه‌زائران اربعین بسته مقرون به صرفه رومینگ رونمایی شد

همراه اول پس از اعلام بسته‌های مقرون‌به‌صرفه رومینگ این بار از «خدمات جامع دیجیتال» ویژه زائران اربعین ۱۴۰۴ رونمایی کرد. به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران همزمان با نزدیک شدن ایام اربعین حسینی و آغاز سفرهای میلیونی زائران به کربلای معلی، اپراتور اول تلفن همراه کشور با رویکردی نوآورانه از مجموعه‌ای جامع از خدمات ارتباطی و دیجیتال ویژه زائران رونمایی کرد. این خدمات که به طور یکپارچه از طریق اپلیکیشن «همراه من» در دسترس مشترکان قرار گرفته با هدف تسهیل سفر و تأمین نیازهای ارتباطی، مالی و خدماتی زائران طراحی شده است.

همراه اول در گام نخست از بسته‌های مقرون به صرفه رومینگ با کاهش چشمگیر تعرفه‌های اینترنت و مکالمه، امکان برقراری ارتباط بدون نیاز به خرید سیم‌کارت عراقی برای زائران اربعینی رونمایی کرد. بر این اساس زائران عتبات عالیات و مسافران کشور عراق می‌توانند در ایام برگزاری آیین اربعین با شماره‌گیری کد دستوری «ستاره ۱ ستاره ۴۰ مربع»، مراجعه به اپلیکیشن «همراه من» یا فروشگاه آنلاین همراه اول به نشانی shop.mci.ir بسته‌های اینترنت و مکالمه ویژه رومینگ اربعین را فعال کنند. این بسته‌ها در تمامی اپراتورهای عراقی شامل آسیابسل، زین و کوک قابل استفاده است.

علاوه بر خدمات رومینگ، مجموعه‌ای از خدمات دیجیتال نوین شامل بیمه رایگان تلفن همراه از طریق «آی بیمه»، کیف پول دیجیتال همراه، خرید انواع بلیت، استعمال گذرنامه، پرداخت عوارض بزرگراهی، ثبت‌نام در سامانه سماح، تأمین ارز مورد نیاز سفر، مشاوره آنلاین پزشکی، تخفیف ویژه خرید لوازم سفر از «دیجی کالا»، کدهای تخفیف خدمات «همراه سفر»، کدهای تخفیف حمل و نقل درون‌شهری و بین‌شهری از شرکت‌های «پتسی» و «تی بی تی»، تأمین کالا‌های مورد نیاز خبریه‌های «دیجی کالا مهر»، چک‌لیست زائر، راهنمای سفر، ادعیه و مداحی نیز توسط این اپراتور تدارک دیده شده و از هم‌اکنون در اپلیکیشن «همراه من» در اختیار زائران قرار گرفته است. همچنین کاربرانی که تا پایان ایام اربعین (۲۳ مرداد) کیف پول همراه من خود را شارژ کنند به ازای هر ۲۰ هزار تومان شارژ یک شانس شرکت در قرعه‌کشی ۴۰ کمک هزینه ۱۰ میلیون تومانی سفر به عتبات عالیات را دریافت خواهند کرد.

ترور دو قاضی دیوان عالی در تهران

برجسته‌ترین حمله به مقام‌های قضایی در سال گذشته، تیراندازی در دیوان عالی کشور در تهران بود. صبح شنبه ۲۹ دی‌ماه فردی که آبدارچی دیوان بود با سلاح کمری به اتاق‌های قاضیان محمد مقیسه و حجت‌الاسلام علی‌رازی‌نی در ساختمان دیوان عالی رفت و آنان را به شهادت رساند. این فرد بلافاصله پس از تیراندازی اقدام به خودکشی کرد. سخنگوی قوه قضائیه گفت، مهاجم حوالی ساعت ۱۰ صبح وارد ساختمان شده و با ورود به اتاق دو قاضی باسابقه آنها را با سلاح کمری به شهادت رساند؛ یکی از محافظان نیز در این حادثه مجروح شد.

محمد مقیسه، زادهٔ ۱۳۳۵ در سبزوار بود و بیش از سه دهه در دادگاه انقلاب و دیوان عالی فعالیت داشت. او در دهه ۱۳۷۰ دادیار دادرسی‌ای انقلاب و ناظر زندان قزل‌حصار سپس زندان رجایی‌شهر بود. مقیسه در سال‌های بعد به ریاست شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران رسید. علی‌رازی‌نی، متولد ۲ خرداد ۱۳۳۲ در رزن (استان همدان) یک روحانی و قاضی بلندپایه بود. پس از انقلاب ۱۳۵۷ به دستگاه قضایی پیوست و در سال ۱۳۶۳ جایگزین اسدالله لاجوردی به عنوان دادستان انقلاب تهران شد. او مدت طولانی به عنوان حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت و رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح خدمت کرد. رازی‌نی همچنین رئیس دیوان عدالت اداری بود و در دوره چهارم مجلس خبرگان رهبری، نمایندگی استان همدان را بر عهده داشت. پیش از ترور دی ۱۴۰۳ او سال ۱۳۷۷ در جریان تروری ناموفق توسط گروه «مهدویت» مجروح شده بود.

بنا بر اعلام مرکز رسانه قوه قضائیه، از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون ۷۷ قاضی و بیش از ۳۰۰ کارمند این دستگاه در حملات تروریستی کشته شده‌اند. این فهرست طولانی شامل شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور و ۲۲ یار همراهش است که ۷ تیر ۱۳۶۰ توسط سازمان مجاهدین خلق در دفتر حزب جمهوری اسلامی ترور شدند. از دیگر نام‌های برجسته می‌توان به اسدالله لاجوردی (رئیس سازمان زندان‌ها) اشاره کرد که سال ۱۳۷۷ ترور شد و علی قدوسی (دادستان کل انقلاب) که در دهه ۱۳۶۰ جان خود را از دست داد.

رسانه‌ها در آستانه تعطیلی

در دوره پساجنگ، فشار اقتصادی بر مطبوعات و رسانه‌ها به‌صورت بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

تهی است. مقایسه کنید با زمان دولت سیزدهم که قیمت دولتی کاغذ فقط ۸ هزار تومان بود اما امروز خبری از کاغذ دولتی نیست و همان کاغذ گران آزاد هم کمیاب است. روزنامه‌هایی که تنها چند ماه قبل می‌توانستند با خرید یک تن کاغذ، تولید روزانه‌اش را تضمین کند اکنون قادر نیست، نصف آن مقدار را با دو برابر هزینه خریداری کند. حتی رسانه‌هایی که توانسته‌اند مبالغ هنگفتی فراهم کنند، ناامیدانه در صف انتظار ایستاده‌اند تا شاید اندک سهمی دریافت کنند. در این شرایط این پرسش بی‌پاسخ مانده است که چرا در کشوری که رسانه‌هایش باید حامی آگاهی و بیداری باشند، تهیهٔ کاغذ به کابوسی بزرگ تبدیل شده است؟

هم‌زمان با بحران کاغذ، مشکل دیگری چون قطع ناگهانی معافیت‌های بیمه‌ای نیز اضافه شده است. وزارت کار و رفاه اجتماعی، شاید بدون درک عمق مساله، تمام تخفیف‌هایی که به‌منظور حمایت از بیمه خبرنگاران برقرار بود را لغو کرده است که این امر، باعث تحمیل افزایش نزدیک به صددرصدی در این بخش بر رسانه‌ها شده است. علاوه بر اینها؛ در دولت چهاردهم، دیگر اثری از پرداخت یارانه‌های حمایتی به رسانه‌ها نیز وجود ندارد!

در چنین فضایی، باشگاه روزنامه‌نگاران ایران و انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران از اخراج دست‌کم ۱۵۰ خبرنگار فقط طی مدت کوتاهی پس از جنگ خبر داده‌اند. این رقم ممکن است با ادامهٔ وضعیت کنونی بسیار بیشتر شود. هر خبرنگاری که بیکار شود، یک چشم ناظر بر امور عمومی کور می‌شود و یک صدا که می‌توانست حقیقت را فریاد بزند، خاموش می‌گردد.

وقتی دولت و وزارتخانه‌ها، تعهدات‌شان را عمل نمی‌کنند و با تصمیماتی چون قطع معافیت‌های بیمه‌ای و عدم تخصیص ارز برای کاغذ فشار وارد می‌کنند، چگونه می‌توان انتظار داشت، مدیران

در این روزگار که مطبوعات، رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران در خط مقدم جبههٔ حقیقت قرار دارند، سایه‌های تیره‌ای بر سر مطبوعات و خبرنگاران ایران افتاده است. این تلخی را کسانی بهتر می‌فهمند که در جنگ ۱۲ روزه با رژیم صهیونی، بی‌وقفه و با کم‌ترین امکانات، چراغ تحریریه‌ها را روشن نگه داشتند و در حالی که بمب و موشک بر سر مردم فرو می‌ریخت، خبر و تحلیل به دست مخاطبان رساندند. همان‌ها که شبانه‌روز با ایستادگی، خشونت و بحران را مستندسازی کردند و بر فراز و فرود رویدادها ایستادند. امروز اما، هر روز یک مانع تازه در برابر این سربازان بی‌ادعا قد علم می‌کند؛ گویی برخی اراده کرده‌اند که این صداهای آگاه‌گر خاموش شوند. در نگاه نخست شاید بتوان گفت، جنگ تمام شده و صلح بازگشته است اما برای مطبوعات، دوران سخت تازه آغاز شده است. مشکلات مالی و فنی در حالی گریبان رسانه‌ها را گرفته است که آنها هنوز از تبعات جنگی کوتاه اما پُر خسارت رها نشده‌اند.

یکی از بزرگ‌ترین زنجیرهایی که بر پای رسانه‌ها افتاده، بحران تأمین کاغذ است. مطابق با اخبار رسیده به سازندگی با گذشت چندین ماه از کم‌کاری دولت چهاردهم برای واردات کاغذ و حتی در شرایطی که صورت جلسه تخصیص ارز برای واردات به امضا رسیده هنوز اقدام عملی برای واردات کاغذ صورت نگرفته است. نتیجه این بی‌عملی آن شده که قیمت هر کیلو کاغذ که پیش از جنگ ۱۲ روزه به‌طور میانگین در حدود ۳۵ هزار تومان بود این روزها به رقم ۶۶ هزار تومان رسیده و حتی با این قیمت هم در بازار

گزارش قضایی

حمله شبانه به دادستان

دادستان رفسنجان در خانه خود مورد حمله قرار گرفت

گروه اجتماعی: در شب پنج‌شنبه ۹ مردادماه، علیرضا محمدی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان رفسنجان در خانه خود در شهر کرمان هدف حمله با چاقو قرار گرفت. بر اساس گزارش رئیس‌کل دادگستری استان کرمان، مردی ناشناس حوالی ساعت ۲۲:۴۵ با طرح بهانه‌ای وارد منزل دادستان شد و بلافاصله چند ضربه به چاقو به گردن و کتف او وارد کرد. ضارب پس از ارتکاب جرم از محل گریخت و هنوز انگیزه او مشخص نشده است.

حجت‌الاسلام ابراهیم حمیددی اعلام کرد که دادستان رفسنجان بلافاصله به بیمارستان منتقل و تحت عمل جراحی قرار گرفت. به گفته او، وضعیت جسمی محمدی («مساعد و رضایت‌بخش») است. نیروهای امنیتی و انتظامی تیمی را برای شناسایی و دستگیری مهاجم تشکیل داده‌اند و تحقیقات درباره انگیزه این اقدام ادامه دارد.

علیرضا محمدی ۳۴ ساله و دارای کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی است. او فعالیت قضایی خود را از سال ۱۳۹۵ به عنوان دادیار در رودبار جنوب آغاز کرد و پیش از انتصاب به سمت دادستان رفسنجان در تیر ۱۴۰۲ ریاست حوزه قضایی جازموریان را بر عهده داشت. حمله اخیر در حالی رخ داد که او کمتر از دو سال از آغاز مسئولیتش در رفسنجان می‌گذرد و فعالیت‌های او بیشتر بر رسیدگی به پرونده‌های محلی و مقابله با ناامنی‌های جنوب کرمان متمرکز بوده است.

حمله مسلحانه به دادگستری زاهدان

تنها چند روز قبل از سوء قصد به دادستان رفسنجان، دادگستری شهر زاهدان در استان سیستان‌وبلوچستان هدف یکی از خونین‌ترین حملات سال‌های اخیر قرار گرفت. بامداد شنبه ۴ مرداد گروه مسلحی وابسته به سازمان سنی‌مذهب جیش‌الظلم با پوشش ارباب‌رجوع وارد محوطه دادگستری و در طبقات مختلف با نیروهای امنیتی درگیر شدند. به گزارش رسانه‌ها، حمله حوالی ساعت ۸:۳۵ صبح آغاز شد و مهاجمان با استفاده از نارنجک‌انداز و شلیک‌های پیاپی صدای انفجارهای مهیبی در اطراف ساختمان به‌وجود آوردند.

روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در بیانیه‌ای اعلام کرد که در این حمله حداقل ۶ نفر کشته و ۲۲ نفر مجروح

